

خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی در وقفنامه خود مهرزدن بر کتابهای کتابخانه ربع رشیدی را جزو وظایف خازن و مناوول آن جا دانسته است. وی برای جلوگیری از تفرقه کتابها دستور داده بود تا: «و باید که مهري که ما ساخته ایم بر پشت کتب [در هر یک] به چند موضع بزنند تا از خیانت دور باشد».<sup>۲</sup>

با این همه در طول سالیان دراز توجهی بدان جلب نشده بود یا نمونه‌ای از آن سراغ داده نشده بود تا آن که نخستین بار فرانسویس ریشارد به وجود دو نسخه با مهر کتابخانه ربع رشیدی پی برد. وی طی مقاله‌ای در شهر یور ۱۳۶۱ش در مجله آینده با گمان و تردید اظهار داشت مهر مستطیل درازی که روی نسخه لطائف الحکمة کتابخانه ملی پاریس (ش Persan 121، مورخ ۶۸۴ق) است به احتمال زیاد به کتابخانه ربع رشیدی مرتبط است و آن را به صورت: «ملک کتابخانه رشید» خواند. او در همان مقاله متذکر شد که این مهر روی نسخه مجموعه رشیدییه (ش Arabe 2324) آن کتابخانه به خط محمد بن محمود بن محمدامین معروف به زودنویس بغدادی و تذهیب محمد بن عقیف کاشی نیز وجود دارد اما همه جا اثر مهر پاک یا با کاغذ پوشانده شده است.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> در متن مصحح دو کلمه خوانده نشده بود که از روی دستنویس نقل شد.

<sup>۲</sup> رشیدالدین فضل‌الله همدانی ۲۵۳۶: ۱۹۸. مایه شگفتی است که تاکنون در هیچ یک از مقالاتی که در معرفی نسخه‌های مهرداد ربع رشیدی نوشته شده، به این عبارت وقفنامه اشاره نشده است.

<sup>۳</sup> ریشارد، فرانسویس ۱۳۶۱: ۳۴۲-۳۴۶. او پیش از این مقاله در نامه‌ای به محمدتقی دانش‌پژوه درباره حدس خود مطالبی نوشته بود. البته آن نامه بدون تاریخ است. رک: حدیث عشق، ج ۲، ص ۵۸۰.

همچنین رک: ریشارد، فرانسویس ۱۳۸۳: ۳۹ و ۴۴ (که به صورت «وقف کتابخانه رشید» خوانده شده است) و *Nouvells des manuscrits du moyen-orient [FIMMOD]*, (1996), no. 168.

## کتابهای وقف شده بر کتابخانه ربع رشیدی

سید محمدحسین حکیم\*

**چکیده:** خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۷۱۸ق) در مجموعه ربع رشیدی کتابخانه‌ای ساخت و کتابهای متعددی بر آن وقف کرد. او برای حفظ و نگهداری این کتابها شرط کرد که در چند جای این کتابها مهر بزنند. نقش این مهر: «وقف کتابخانه رشیدی» بود که به صورت مستطیلی کشیده در اندازه ۷۴×۱۳ میلیمتر ساخته شده بود. این مهر نخستین نمونه مهر وقف کتاب و همچنین کهنترین مهر فارسی شناخته شده از دوران ایلخانی تاکنون است.

تاکنون چهار نسخه از کتابهای ربع رشیدی که این مهر را دارند شناسایی شده است. در این مقاله شش نسخه دیگر از کتب مهرداد آن کتابخانه که به تازگی شناسایی شده‌اند به تفصیل معرفی شده‌اند. این شش کتاب عبارتند از: ۱. محاضرات الادبای و محاورات الشعراء والبلغاء (آستان قدس، ش ۴۴۰۳)؛ ۲. شرح القانون ابن سینا (مجموعه محمدصادق خرازی، ش ۶۳۴)؛ ۳. مجموعه شامل النجاة ابن سینا و بستان الاطباء و روضة الالباء (کوبریلی، ش ۹۰۳)؛ ۴. المائة فی صناعة الطب (مجلس شورای اسلامی، ش ۶۳۳۵)؛ ۵. شرح الاشارات والتنبیهاث (ترخان والده سلطان، ش ۲۰۶)؛ ۶. حل مشکلات الاشارات والتنبیهاث (ملی ایران، ش ۲۳۲۶).

بررسی این نسخه‌ها می‌تواند نوع کتابهای مورد علاقه و اهتمام خواجه رشیدالدین را مشخص کند. لذا در بخش دوم مقاله موضوع این نسخه‌ها بررسی و درباره کتابهای تاریخی و پزشکی و فلسفی و کلامی آنها توضیحاتی داده و از این رهگذر نکات تازه‌ای درباره علایق رشیدالدین مشخص شده است.

**کلیدواژه‌ها:** خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، کتابخانه ربع رشیدی، کتابخانه‌های موقوفه.

\* پژوهشگر متون.

روی برگ‌ها سرایت کرده است و از سوی دیگر اوراق نیز خوانده می‌شود. همین امر سبب شده که حتی در صورت سترده شدن مهر، اثرش در سوی دیگر ورق باقی بماند، به صورتی که شناسایی آن برای کسی که با شکل و نقشش آشناست، چندان دشوار نیست.

معمولاً در نسخه‌های متأخرتر صاحب نسخه با نظم خاصی که خود مقرر کرده بود، به کوفتن مهر مالکیت بر اوراق نسخه‌ها دست می‌یازید اما در کتاب‌های ربع رشیدی چنین نیست و برگ‌های ممهور در هر نسخه متغیر است و نظم خاصی ندارد. جز آن که حتماً برگ‌های آغاز و انجام کتاب را شامل می‌شده است.

با توجه به شواهد و قرائن، همه کتاب‌های ممهور به این مهر را باید مربوط به دوران خود رشیدالدین به حساب آوریم. بسیار دور از ذهن و واقعیت خواهد بود اگر تصور کنیم بعد از مرگ خواجه رشید که «قوم و خلق او را مجموع غارت کردند و در تبریز ربع رشیدی تمام بغارت بردند» و در هنگامه‌ای که «اسباب و املاک او را با دیوان گرفتند و وقف‌هایی که کرده بود، باز بستند»<sup>۴</sup> مهر کتابخانه رشیدی بر جای مانده و بعداً در اختیار فرزندان او قرار گرفته باشد. احتمال آن که غیاث‌الدین بعداً مهری کاملاً شبیه به مهر ساخته شده در زمان پدرش ساخته باشد نیز دشوار است. تنها نسخه‌ای که از خزانه کتب غیاث‌الدین بر جای مانده (البصائر فی اختصار تنقیح المناظر، مدرسه سپهسالار، ش ۵۵۴) به جز شمس‌زبای مالکیت صفحه عنوان، فاقد این مهر یا مهر و نشان مالکیت دیگری از اوست.

حدود دو دهه بعد با پیدا شدن نسخه‌ای از جلد چهارم تاریخ و صاف به خط مؤلف مورخ شعبان ۷۱۱ق در کتابخانه نورعثمانیه استانبول (ش ۳۲۰۷) که همان مهر نسخه‌های پاریس را داشت و واضح‌تر و بدون دستخوردگی بود، تردیدها درباره تعلق این مهر به کتابخانه ربع رشیدی و نحوه خوانش آن از میان رفت.<sup>۴</sup> چهارمین نسخه از نسخه‌های مهرداد ربع رشیدی در کتابخانه آیت الله مرعشی قم (ش ۱۲۸۶۸) پیدا شد. این نسخه جنگی است به خط قطب‌الدین محمود بن مسعود شیرازی (۷۱۰-۶۳۴ق) که در سال ۶۸۵ق در قونیه نوشته است.<sup>۵</sup> نقش هر ۴ مهر کتابخانه رشیدی روی این نسخه سترده شده و تنها شکل نیمه محوی از آنها در پشت برگ‌ها باقیمانده است.

مهر کتابخانه ربع رشیدی نخستین نمونه مهر وقف کتاب و همچنین کهن‌ترین مهر فارسی شناخته شده از دوران ایلخانی تاکنون است.<sup>۶</sup> این مهر دراز و مستطیل شکل در اندازه ۱۳×۷۴ میلی‌متر بوده و داخل آن کلمات: «وقف کتابخانه رشیدی» به خط کوفی نقش بسته است. چهارگوش بودن مهر متأثر از سنت مغولان است<sup>۷</sup> و همین طور کوفی بودن خط آن قابل قیاس است با مهرهای دوزبانه سلاطین و امرای مغولی.<sup>۸</sup>

این مهر معمولاً به صورت عمودی در حاشیه سفید برگ‌ها و در اکثر موارد در پشت برگ‌ها کوفته شده است. جنس استفاده شده در مرکب مهر به گونه‌ای است که در همه نسخه‌های برجای مانده، اثر مهر از پشت برگ‌ها به

۴ «نسخه‌ای از تاریخ و صاف به خط مؤلف و مهر کتابخانه ربع رشیدی»، ص ۶۷. این مقاله با تغییراتی در مقدمه چاپ عکسی همین نسخه منتشر شده است. این نسخه به صورت عکسی منتشر شده است: تجزیة الامصار و تزجیة الامصار (تاریخ و صاف)، تألیف شرف‌الدین عبدالله بن عزالدین فضل‌الله بن ابی‌نعیم یردی/ شیرازی (۶۶۳ هـ - ۷۳۰ ق)، نسخه برگردان جلد چهارم کتاب از روی نسخه خط مؤلف کتابت سال ۷۱۱ هجری قمری، به کوشش ایرج افشار و محمود امیدسالار و نادر مطلبی کاشانی، تهران، انتشارات طلا، ۱۳۸۸ ش.

۵ ۱۲۸۴: ۵۲۸ (در آن جا این نسخه، سومین نمونه شناسایی شده از نسخه‌های ربع رشیدی قلمداد شده است). بخش مربوط به تاریخ مغولان این جنگ به صورت حروفی و عکسی با این مشخصات منتشر شده است: اخبار مغولان در انبانه قطب، به کوشش ایرج افشار، قم، کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۸۹ ش.

همچنین همه نسخه به صورت عکسی منتشر شده است: مجموعه قطب‌الدین شیرازی: چاپ عکسی از روی نسخه کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی به خط آن دانشمند شماره ۱۲۸۶۸ تاریخ کتابت ۶۸۵ هـ. ق، زیر نظر و با پیشگفتار فارسی سید محمد مرعشی نجفی، گزارش انگلیسی: زابینه اشمیتکه و رضا پورجوادی، قم، کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۹۱ ش. متأسفانه این چاپ عکسی کیفیت مناسبی ندارد و در آن نمی‌توان ردی از مهرهای ربع رشیدی و نیز بعضی خصوصیات نسخه‌شناختی اصل دستنویس را دید. نیز رک: مرعشی نجفی، سید محمود ۱۳۸۳، ۳۲: ۶۴۳-۶۳۷؛

“The Qutb al-Dīn al-Shīrāzī (d. 710/1311) Codex (Ms. Mar’shī 12868)”, Pourjavady, Reza & Schmidtke, Sabine, *Studia Iranica*, 2007, V 36, Issue 2, pp. 279-301.

۶ تاریخ ساخت مهر نباید فاصله معناداری با زمان نوشتن وقف‌نامه ربع یعنی ربع‌الاول ۷۰۹ق داشته باشد. مهر کهنه دیگری که بعد از مهر کتابخانه ربع رشیدی و متعلق به همان حدود زمانی می‌شناسیم بر سندی به تاریخ ربع‌الاول ۷۲۳ق خورده و از آن دمشق خواجه بوده است. رک: میرزا ابوالقاسمی، محمدصادق، ۱۳۹۴: ۵۲.

۷ اشیوپلر ۱۳۹۲: ۲۹۵.

۸ در بیشتر مهرهای دوزبانه مغولان عبارات عربی به خط کوفی درج شده است. شکل این خطوط کوفی را یادآور شکل‌های هندسی سجع مهرهای چینی و خطوط زاویه‌دار مغولی موسوم به پاکز یا دانسته‌اند. هرمان، گوتفرد ۱۳۸۰: ۱۶۹.

۹ حافظ ابرو ۱۳۱۷: ۷۹-۸۰.

والاجتهاد والحمد لله على فضاله والصلاة والسلام على محمد وآله». بلاغ مختصرتر همین نویسنده به کرات در حاشیه صفحات نیز نوشته شده است (با عبارت: بلغ مقابلة بالاصل المنقول منه بحسب الطاقة، در ص ۵، ۱۳، ۲۰، ۲۳، ۲۷، ۳۱، ۳۶، ۴۸، ۵۸، ۶۵، ۷۰، ۷۹، ۹۲، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۲۲، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۶۱، ۱۷۲، ۱۷۷، ۱۹۰، ۱۹۷، ۲۰۸، ۲۱۴، ۲۲۷، ۲۳۶، ۲۴۴).

این نسخه ۲۵۵ برگ ۲۱ سطری دارد و اندازه آن ۱۷×۲۷ سانتیمتر است.

اما این نسخه نفیس سرگذشت شگفتی داشته است. این کتاب در اختیار بهاء‌الدین علی بن عیسی بن ابی‌الفتح اربلی (۶۹۲ق) ادیب و عالم برجسته سده هفتم هجری و منشی دیوان انشاء علاء‌الدین عظاملک جوینی صاحب‌دیوان (۶۸۱ق) و مؤلف کتاب کشف الغمة فی معرفة الاثمة بوده است. نسخه تاریخ کتابت ندارد اما در قرن هفتم هجری تهیه شده است. کاتب نسخه نیز مشخص نیست، ولی به یقین بلاغ مقابله پایان نسخه و اعلام ختم کتاب در صفحه خاتمه و نیز نام کتاب و مؤلف در صفحه عنوان به قلم اربلی است و این خطوط کاملاً با نسخه چستریتی و دیگر نوشته‌های اربلی همخوانی دارد.<sup>۱۱</sup> یادداشت مهم دیگر اربلی در صفحه عنوان مربوط به اهدای کتاب به صدرالدین علی پسر خواجه نصیرالدین طوسی است. او در چهار سطر، دو سطر بالا و دو سطر پایین کتیبه نام و عنوان کتاب و مؤلف، به خط خوش جلی و با زر تحریردار چنین نوشته است:

لخزانة المولا الصاحب المعظم صدر الحق  
والدين/ على بن المولا السعيد نصيرالدين محمد  
الطوسي اعز الله نصره/ تذكرة من المخلص في محبته  
افقر عباد الله الي / رحمته عبد الله، على بن عيسى بن  
ابى الفتح عفا الله عنه.

افزون بر چهار نسخه شناسایی شده متعلق به کتابخانه رشیدی، شش نسخه دیگر از کتب مهرداد آنجا یافته‌ام که هر یک به تفصیل معرفی می‌شوند و دور نیست با جستجوهای مستمر و بیشتر این لیست طولانی‌تر و پربرگتر شود.

#### ۱. محاضرات الادباء و محاورات الشعراء و البلغاء

تألیف حسین بن محمد راغب اصفهانی (۴۲۲ق)<sup>۱۰</sup>  
محاضرات الادباء گزیده‌ای از بهترین کلمات کوتاه ادیبان و شاعران و حکما و علما و دیگر سخنگویان بلیغ است که در موضوعات مختلف اخلاقی تدوین شده است.

محفوظ در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۴۴۰۳.

این نسخه که جزء اول کتاب است، در سده هفتم هجری کتابت شده است و در ۱۷ جای مختلف مهر مستطیل «وقف کتابخانه رشیدی» را دارد (برگ‌های ۱ پ، ۴ پ، ۲۴ پ، ۵۴ پ، ۷۱ پ، ۸۹ پ، ۱۱۵ پ، ۱۴۴ پ، ۱۷۴ پ، ۲۰۱ پ، ۲۱۴ پ، ۲۳۳ پ، ۲۴۴ پ، ۲۵۲ پ، ۲۵۳ پ، ۲۵۴ پ، ۲۵۵ ر). در میان نسخه‌های مهرداد شناسایی شده از ربع رشیدی این نسخه پس از نسخه مجموعه رشیدیه پاریس بیشترین تعداد مهر را دارد.

کسی سعی کرده تا در تمام موارد نقش مهرها را از بین برد یا کمرنگ و ناخوانا کند اما به دلیل جنس خاص جوهر مهر و ترکیب شیمیایی آن با کاغذ نسخه در بیشتر موارد نه تنها نقش مهر مشخص است بلکه از پشت کاغذها نیز با کمی دقت خوانده می‌شود. البته وضوح همه مهرها یکسان نیست و بعضی بهتر خوانده می‌شود. در بعضی از صفحات هم تنها اثر مستطیل دور مهر باقی مانده است.

در پایان کتاب تذکر داده شده که نسخه به اندازه طاقت با نسخه اصل خود مقابله و تصحیح شده است: «بلغ مقابلة بالاصل المنقول منه بحسب الطاقة»

۱۰ برای تاریخ درگذشت راغب اصفهانی تاریخ‌های متعددی ذکر شده است. تاریخی که در بالا آوردیم بر مبنای یادداشتی است که روی نسخه‌ای کهنه از مفردات غریب القرآن راغب مورخ ۴۰۹ق نوشته شده است. برای خصوصیات این نسخه و اقوال مختلف درباره زمان حیات و مرگ راغب رک: رحمتی، محمدکاظم، «راغب اصفهانی و تاریخ درگذشت او»، میراث شهاب، تابستان و پاییز ۱۳۹۳، ش ۷۷-۷۶، ص ۲۵۶-۲۳۷.

۱۱ خوشبختانه چند دستخط دیگر از اربلی می‌شناسیم و امکان مقایسه برای ما فراهم است: کتابت کتاب شرح کلیات القانون ابراهیم بن علی سلمی مغربی معروف به قطب مصری (۶۱۸ق) در اواخر محرم ۶۵۹ق که اکنون به شماره ۴۱۳۳ در کتابخانه چستریتی ایرلند نگهداری می‌شود. (مشاهده تصویر نسخه؛ 44: 5 Arberry)

تقریبی به خط خودش در انتهای کتاب آداب السیاسة تألیف مبارک بن خلیل بن خازندار بدری موصلی در ۶۸۲ق در بغداد. موجود در کتابخانه کوپریلی استانبول، شماره ۱۲۰۰.

و تملک او در سال ۶۵۷ق روی کتاب التکملة والذیل والصلة لکتاب تاج اللغة و صحاح العربية تألیف حسن بن محمد صفانی، روی نسخه دارالکتب مصر، شماره ۳۹۹۷ لغت که تصویر آن در الاعلام زرکلی، ج ۴، ص ۳۱۸ چاپ شده است.

می‌دانیم که صدرالدین علی پس از مرگ پدرش در سال ۶۷۲، بیشتر مناصب و مقام‌های پدر را به ارث برد<sup>۱۲</sup> که از آن جمله ریاست رصدخانه مراغه<sup>۱۳</sup> و نظارت بر اوقاف عراق بود.<sup>۱۴</sup> از القاب به کاررفته برای صدرالدین علی در این تقدیم‌نامه و همچنین نوع یادکرد خاکسارانه اربلی از خودش به یقین می‌توان این اهدانامه را مربوط به زمان منصب‌داری او و پس از مرگ پدرش دانست. به خصوص آنکه اربلی برای او از دعای «اعز الله نصره» استفاده کرده و پدرش را در این دعا شریک نکرده است. از سوی دیگر سال درگذشت صدرالدین علی به درستی مشخص نیست و تنها می‌دانیم او تا سال ۶۸۸ ق زنده بوده است.<sup>۱۵</sup>

اربلی نیز در ۳ یا ۱۴ جمادی الآخر ۶۹۲ ق دیده از جهان فرو بست.<sup>۱۶</sup> بنابراین تاریخ نگارش این یادداشت باید دست‌کم بین سال‌های ۶۷۲ تا ۶۸۸ و شاید ۶۹۲ قمری باشد. همچنین با توجه به تاریخ درگذشت اربلی و آخرین تاریخ قطعی سراغ‌داده‌شده از حیات صدرالدین علی، این یادداشت عجاله نشان می‌دهد او بین همین دو سال، یعنی ۶۸۸ تا ۶۹۲ ق، درگذشته است. پیش از این یادداشت ارتباط مشخصی بین اربلی و

خاندان خواجه نصیرالدین طوسی در منابع تاریخی گزارش نشده بود<sup>۱۷</sup> و تنها سه بیت از سوگ‌سروده اربلی در رثای خواجه نصیرالدین در دست بود.<sup>۱۸</sup> هر چند با توجه به صاحب منصب بودن خواجه نصیر و اربلی در دستگاه مغولان و نیز تشیع هر دو نفرشان گمان می‌رفت پیوندی بین آنها برقرار شده باشد، اما این اهدانامه ارتباط ایشان را آشکار می‌کند.

نکته دیگر اشاره به «خزانه» صدرالدین علی است. استفاده از کلمه خزانه نشان می‌دهد او کتابخانه مهمی داشته که اربلی برای توصیف آن از این کلمه استفاده کرده است.<sup>۱۹</sup>

پیوند خانواده خواجه نصیرالدین طوسی با خانواده خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی به سالیانی دور باز می‌گردد. زمانی که موفق‌الدوله، نیای رشیدالدین، و رئیس‌الدوله، عموی پدرش، و فرزندانشان به همراه خواجه نصیر در قلاع اسماعیلیان در خدمت واپسین فرمانروای اسماعیلی ایران، رکن‌الدین حسن بن محمد خورشاه (۶۵۵ ق) بودند. خورشاه با مشورت خواجه نصیر تسلیم هلاکو شد و قلعه میمون‌دژ الموت را واگذار کرد (شوال ۶۵۴ ق) و در پی آن هر دو خاندان به فرمانروایان

۱۲ همان ۳: ۲۵۰؛ صفدی، ۱: ۱۵۰.

۱۳ الکتبی، ۳: ۲۵۱.

۱۴ کتاب الحوادث لمؤلف من القرن الثامن الهجری، ۱۹۹۷م: ۴۹۳.

۱۵ همان، همان‌جا؛ مدرس رضوی ۱۳۷۰: ۶۸.

۱۶ الاربلی، ۱۴۲۶: ۶۶.

۱۷ برای فهرستی از استادان و شاگردان و دوستان و بزرگانی که اربلی محضر آنها را درک کرده بود رک: مقدمه کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة، ص ۵۲-۲۳.

۱۸ کتاب الحوادث لمؤلف من القرن الثامن الهجری، ۱۹۹۷م: ۴۱۶.

۱۹ دو کتاب دیگر از خزانه او در دست است: اقوال المنجمین فی احکام تحاوایل سنی الموالید نوشته ابوسعید منصور بن علی بندار دامغانی (زنده در ۵۰۷ ق) که مورخ و دانشمند پرآوازه قرن هفتم و هشتم عبدالرزاق بن احمد بن محمد بغدادی ابن فوطی (۷۲۳ ق) آن را در خانه‌اش در محله خاتونیه در شرق مدینه السلام بغداد در روز پنجشنبه ۱۰ شوال ۶۸۰ ق برای خزانه کتب «سیدنا و مولانا المخدوم صاحب المعظم صدر الحق والدين نصير الاسلام والمسلمين ابي الحسن علي بن مولانا المعظم نصير الدين ابي جعفر محمد بن محمد الطوسي اعز الله انصاره وضاعف اقتداره» کتابت کرده بود. ابن فوطی در انجامه نسخه از خود به صورت: «عبده و خادمه و غرس ایادیه و انعمه» یاد کرده است.

این نسخه به شماره ۱۱۱۲/ع در کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود. در فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی به اشتباه این نسخه را تقدیم‌شده به کتابخانه خواجه نصیرالدین طوسی معرفی کرده‌اند. نام کاتب نیز در آن جا درست نقل نشده است. انوار، سید عبدالله ۱۳۵۷: ۱۰۶-۱۰۷. همچنین برای معرفی این نسخه رک: جواد، مصطفی، «باب الکتب مؤرخ العراق ابن الفوطی»، المجمع العلمی العراقي، س ۶، ۱۳۷۸ ق، ص ۳۷۸-۳۷۷ و ۴۶۸-۴۶۷.

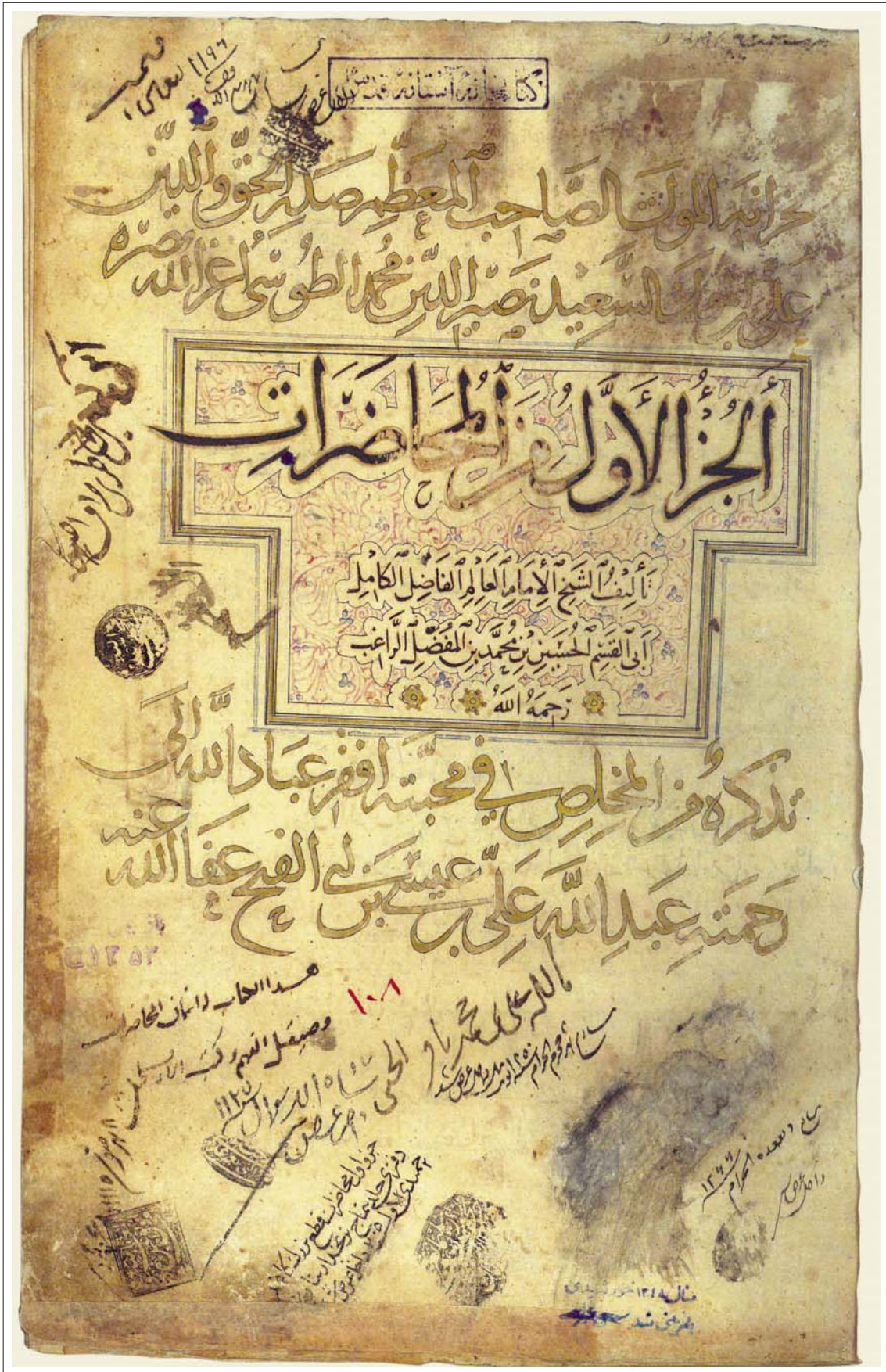
و دیگری نسخه‌ای مشتمل بر بخشهای طبیعیات و الهیات کتاب شفای ابن سینا (۴۲۸ ق) از قرن هفتم هجری.

بنا بر یادداشت صدرالدین علی در صفحه عنوان، این دستنویس به همراه جلد دیگرش از برادر کهنترش فخرالدین احمد به او منتقل شده است: «هذا الكتاب مع اوله انتقل من الاخ احمد الي علي بن محمد الطوسي... فی غرة ربيع الاول سنة حطح (؟)». تاریخ نوشته‌شده به حساب ابجد در انتهای این یادداشت به دو صورت خوانده شده است که هر دو قرائت مشکوک و غیرقابل اعتماد است: «نه حطح» برابر ۶۷۰ ق (صدرایی خوبی، علی، ۱۳۷۶: ۱۲۷) و سنه «حطح» برابر ۶۹۸ ق (عمادی حائری، سید محمد ۱۳۸۹: ۲۵) که با شگفتی تمام، گذشته از درستی یا نادرستی ضبط کلمه مورد بحث، تطبیق هر دو خوانش با حروف ابجد نیز خطاست. علاوه بر آن در سال ۶۹۸ ق صدرالدین علی به یقین زنده نبوده است.

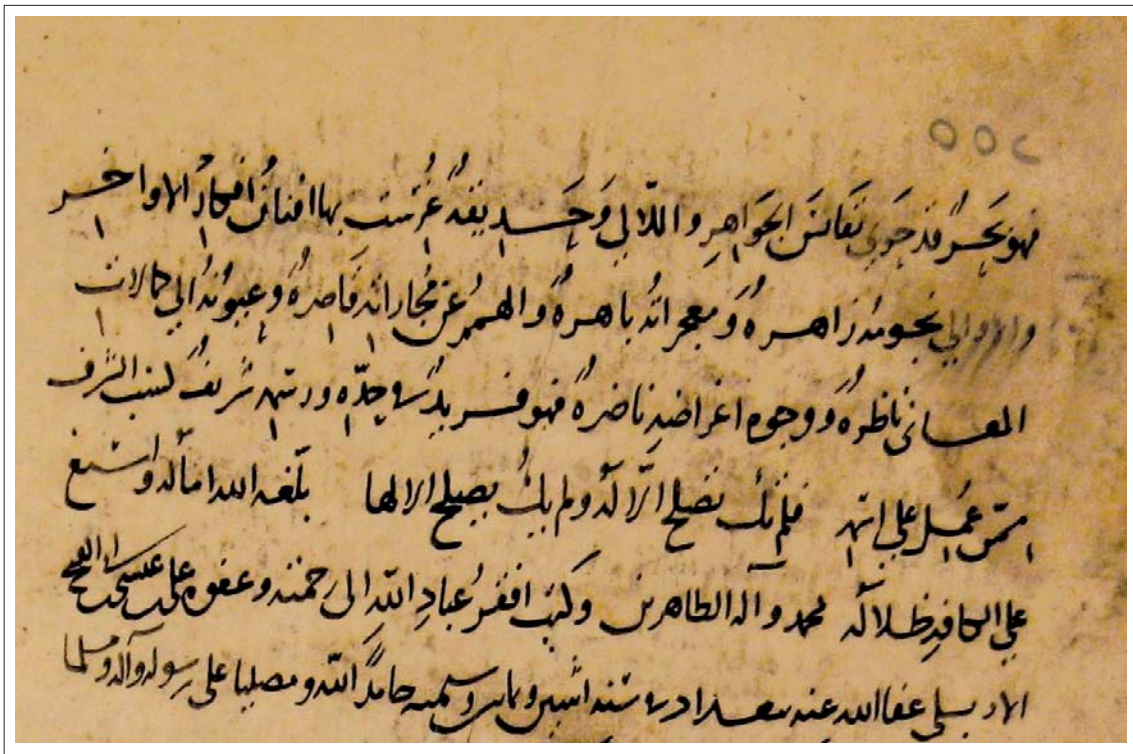
بنا بر یادداشت ابتدای قسم الهیات، حواشی این نسخه به خط خواجه نصیرالدین طوسی است و البته برخی از آنها هم با خطوط شناخته‌شده دیگر او شباهت دارد (ص ۱۰۰، ۱۰۹ دستنویس).

به جز صدرالدین علی، این دستنویس روزگاری در تملک حسن بن محمد بن شرفشاه علوی استرآبادی، از شاگردان خواجه نصیر، و احتمالاً صفی‌الدین عبدالؤمن بن یوسف بن فاخر ارموی (۶۹۳-۶۱۳ ق)، موسیقیدان مشهور و مؤلف کتاب الادوار، نیز بوده است.

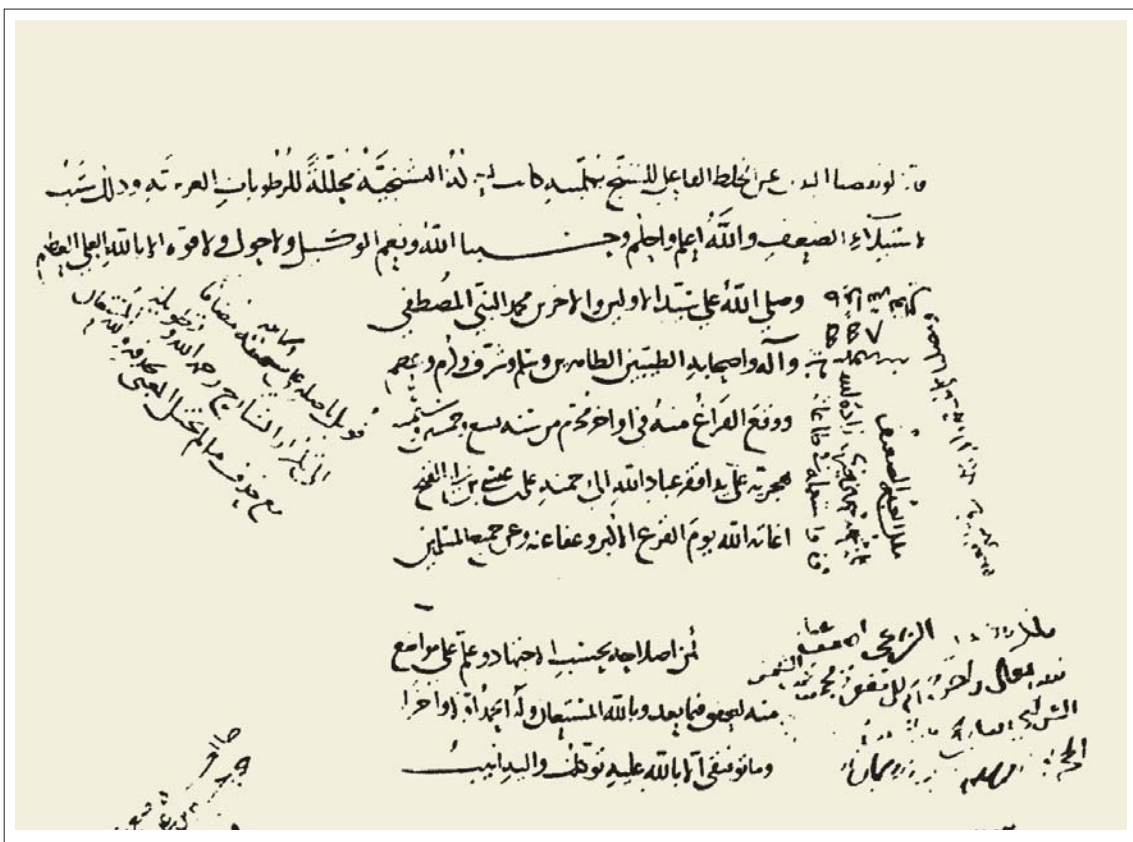
این نسخه به شماره ۲۴۸ در کتابخانه مدرسه نمازی خوی نگهداری می‌شود.



تصویر ۱: محاضرات الادباء و محاورات الشعراء راغب اصفهانی، با دستخط علی بن عیسی اربلی (۶۹۳ ق) مینی بر اهدای نسخه به صدرالدین علی پسر خواجه نصیر طوسی. صفحه عنوان (کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۴۴۰۳).



تصوير ٢: آداب السياسة تأليف مبارك بن خليل خازندار بدرى موصلی، تقریظ به خط علی بن عیسی بن ابی الفتح اربلی در ٦٨٢ ق در بغداد، ص ٥٥٢ (کتابخانه کورپولی، ش ١٢٠٠).



تصوير ٣: شرح کلیات القانون، تأليف ابراهيم بن علی سلمی مغربی معروف به قطب مصری، به خط علی بن عیسی بن ابی الفتح اربلی، مورخ اواخر محرم ٦٥٩ ق، صفحه خاتمه (کتابخانه چستر بیٹی، ش ٤١٣٣).

برعکس می‌دانیم که برادرش اصیل‌الدین حسن (۷۱۵ق) ارتباط بیشتر و نزدیکتری با رشیدالدین داشته و حتی بنا بر نقلی تربیت یافته او بوده و مدتها در بارگاه وزارتش مشاور و صاحب سر بوده است.<sup>۲۶</sup> اصیل‌الدین حسن پس از درگذشت برادرش صدرالدین، به جای او عهده‌دار مناصبش شد و در لشکرکشی غازان به شام در سال ۶۹۹ق همراه او بود و به ریاست اوقاف آن منطقه رسید. او با غازان به بغداد بازگشت و به منصب نیابت بغداد گماشته شد.<sup>۲۷</sup> مدتی هم رییس رصدخانه مراغه بود. بنا بر گزارش کاشانی در روز یکشنبه ۲۵ صفر ۷۰۴ اولجایتو به رصد مراغه رفت و اصیل‌الدین در آن جا از او و همراهانش پذیرایی کرد.<sup>۲۸</sup> باری نیز پس از جوان‌مرگ شدن دو پسرش، جعفر و حیدر، در ۷۰۷ق، اولجایتو برای دلجویی او خلعت فرستاد.<sup>۲۹</sup> اصیل‌الدین در ۷۰۹-۷۰۸ق حکومت بغداد را به عهده داشت.<sup>۳۰</sup> همچنین می‌دانیم مدتی مقیم سلطانیه بوده است. ابن فوطی در خیمه او در سلطانیه، علم‌الدین تمام بن محمد علوی حسینی اسماعیلی را ملاقات کرده بود که قصد دیدار وزیر را داشت.<sup>۳۱</sup> ابن فوطی در جاهای دیگر

جدید پیوستند.<sup>۳۰</sup> همچنین احتمال داده شده امین‌الدوله ابوشجاع بن عالی، عموی رشیدالدین<sup>۳۱</sup>، همان کسی باشد که سؤالاتی درباره چند مسئله دشوار کتاب قانون ابن سینا از خواجه نصیر پرسیده و او نیز به آنها پاسخ گفته است.

صدرالدین علی طوسی در سال‌های مصادف با ایام برکشیده شدن رشیدالدین فضل‌الله به مقام وزارت یا مدتی قبلتر درگذشت.<sup>۳۲</sup> درباره ارتباط او با رشیدالدین اطلاع چندانی در دست نیست. جز آن که تنها یک بار نامش در جامع التواریخ به نحوی ذکر شده که نشان می‌دهد او را می‌شناخته است.

در گزارش وقایع پس از جنگ سپاهیان احمد تکودار (۶۸۳-۶۸۱) با ارغون خان (۶۹۰-۶۸۳) در حدود قزوین در صفر ۶۸۳ق که به شکست ارغون انجامید، احمد تکودار سخن امرای لشکر خود برای مراجعت از جنگ و تعقیب ارغون را نپذیرفت و به این کار مصرّ بود. صدرالدین و اصیل‌الدین پسران خواجه نصیر از راه دیگر در صدد جلوگیری از جنگ برآمدند و «عرضه داشتند که از روی احکام نجومی مصلحت لشکرکشدن نیست، [اما احمد تکودار] بغایت رنجید و ایشان را قاقمیشی<sup>۳۳</sup> کرد».<sup>۳۴</sup>

۲۰ رشیدالدین فضل‌الله همدانی، جامع التواریخ، ۱۳۹۴: ۲: ۸۷۴، ۸۷۷، ۸۷۹.

۲۱ در نسخه‌های این سؤال و جواب از پرسشگر تنها با نام «امین‌الدوله» یاد شده است و این گمان قابل تأمل را نخستین بار غلامعلی عرفانین هنگام معرفی نسخه آستان قدس رضوی از این رساله مطرح کرده است. رک: عرفانین، غلامعلی، ۳۵۰.

شرح حال امین‌الدوله در منابع نیست و تنها ابن فوطی سه بار به اشاره و استطراد از او یاد کرده است. رک: ابن فوطی: ۲: ۶۲ و ۳۵۸، ۶۱۳: ۵.

برای متن تحقیق شده این پرسش و پاسخ رک: اجوبه المسائل النصیریة، به اهتمام عبدالله نورانی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳ش، ص ۱۶۸-۱۶۳. و برای نسخه‌های آن رک: درایتی، ۱۳۹۱، ۳: ۲۱۶-۲۱۷.

۲۲ رشیدالدین در سال ۶۹۷ق به اشتراک سعدالدین محمد مستوفی ساوجی به وزارت غازان خان (۷۰۳-۶۹۴ق) رسید و این وزارت در تمام دوران اولجایتو (۷۱۶-۷۰۳ق) و نخستین سال سلطنت ابوسعید (۷۳۶-۷۱۶ق) ادامه یافت.

۲۳ سرزنش کردن، بدزبانی کردن. رشیدالدین فضل‌الله همدانی، جامع التواریخ: ۱۳۹۴، ۲: ۱۰۰۷.

۲۵ کاشانی در پایان وقایع مربوط به سال ۷۱۵ق در تاریخ اولجایتو، تاریخ وفات اصیل‌الدین را روز چهارشنبه ۱۷ ذیحجه ۷۱۶ق در بغداد ذکر کرده است. پیداست که عدد ۷۱۶ در این جا سهواً القلم کاتبان است و همان طور که این واقعه در وقایع سال ۷۱۵ق آمده، همین تاریخ هم صحیح است (ابوالقاسم عبدالله بن محمد القاشانی ۱۳۸۴: ۱۹۸). شاهد دیگر بر صحت این تاریخ، مطلب ذیل جامع التواریخ ناشناخته‌ای است که به دستور شاهرخ تهیه شده و بخشهای مربوط به شرح حال اولجایتو در آن عمدتاً با تغییر الفاظ از کتاب کاشانی گرفته شده است. در آن جا این تاریخ به صورت صحیح خود، یعنی روز چهارشنبه ۱۷ ذیقعد ۷۱۵ق، نقل شده است (ذیل جامع التواریخ، کتابخانه ملی پاریس، شماره Sup.persan.209، برگ ۴۷۴).

قول ابن تغری بردی (۸۷۴ق) در النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة هم مؤید درگذشت او در سال ۷۱۵ق است (جمال‌الدین ابی‌المحاسن یوسف بن تغری بردی الاتابکی، ۱۳۸۳ق: ۲۳۲).

البته در تاریخ بناکتی، درگذشت او به سال ۷۱۴ق ثبت شده است (بناکتی، داود بن محمد ۱۳۷۸: ۴۷۶) ولی با توجه به آن که کاشانی چند بار حوادث زندگی اصیل‌الدین را ذکر کرده، اما بناکتی تنها در یک مورد یعنی همین تاریخ وفات به نام او اشاره کرده، قبول صحت گفته کاشانی محتملتر است.

برای دیگر اقوال درباره زمان درگذشت او رک: مدرس رضوی ۱۳۷۰: ۷۰-۷۱.

۲۶ ناصرالدین منشی کرمانی ۱۳۸۹: ۱۱۸.

۲۸ ابوالقاسم عبدالله بن محمد القاشانی ۱۳۸۴: ۴۱.

۳۰ همان، ص ۸۳ و ۸۸. همچنین برای اشاراتی به مجالس او در بغداد رک: ابن فوطی: ۱: ۵۲۰ و ۳: ۲۴۵.

۳۱ در متن تصحیح شده مجمع الآداب فی معجم الالقباب، ج ۱، ص ۵۱۳ محل ملاقات «شرویان» ثبت شده است. مصحح در پاورقی به غیرواضح بودن نون در پایان کلمه اشاره کرده و آن را ناحیه‌ای در طبرستان دانسته است. صورت درست کلمه «شرویان» است که نام سلطانیه یا چمنی نزدیک آن شهر بوده است. برای شواهد متعدد

این کلمه رک: توضیحات محمد قزوینی در مقدمه جهانگشای جوینی، ص ل ط - م.

این کلمه در ابن فوطی: ۴: ۱۵۵ هم به صورت نادرست «شرویان» ثبت شده است.

تصریح کرده که در سال ۳۲۷۰۶ و ۷۰۷ق ۳۳ اصیل‌الدین در اردوی شاهی (معسکر) و شهر سلطانیه بوده است.

به نوشته عبدالله بن فضل‌الله شیرازی و صاف‌الحضره در مجلسی که اولجایتو در پنجشنبه ۲۴ محرم ۷۱۲ق در سلطانیه تشکیل داده بود، رشیدالدین فضل‌الله کتاب تاریخ و صاف را به سلطان مغول عرضه می‌کند و و صاف‌الحضره هم قصیده‌ای را در وصف سلطانیه می‌خواند. شاه نیز از معنای هر بیت پرسش می‌کند و گروهی از علما و فضلا به پاسخ‌گویی بر می‌آیند. یکی از حاضران در مجلس اصیل‌الدین حسن پسر خواجه نصیرالدین طوسی بوده است.<sup>۳۴</sup>

از اصیل‌الدین حسن ستایش‌نامه‌ای (تقریظ) بر کتاب التوضیحات الرشیدیة در دست است.<sup>۳۵</sup> نام او ضمن یکی از نامه‌های منسوب به رشیدالدین به فرزندش امیرعلی حاکم بغداد، جزو علمایی آمده است که به سبب منزلتشان و به جهت تبجیل و بزرگداشتشان باید انعام نقدی و جنسی دریافت کنند.<sup>۳۶</sup> شهادت‌نامه او و خواجه رشیدالدین فضل‌الله، هر دو، در پای وقفنامه سه دیه در کاشان در سال ۷۰۳ق ثبت شده است. این وقفنامه را بسیاری از بزرگان آن روزگار دربار مغول و نیز علما و دانشمندان گواهی کرده‌اند. وقفنامه در نیمه رمضان سال ۷۰۳ق نوشته شد و اصیل‌الدین در اواسط ذیقعدة همان سال به صحت آن گواهی داد.<sup>۳۷</sup>

همه این موارد و روابط نشان می‌دهد هدیه‌دادن کتابی از یکی از فرزندان خواجه نصیر، صدرالدین علی یا اصیل‌الدین حسن<sup>۳۸</sup>، به خواجه رشیدالدین نه تنها دور از ذهن نیست بلکه کاملاً محتمل است. هر چند یادداشت‌های روی نسخه درباره شیوة این انتقال مسکوت است اما بنا بر این شواهد، می‌توان این گمان را پیش چشم داشت که کتاب به صورت مستقیم از خاندان خواجه نصیرالدین طوسی به خواجه رشیدالدین فضل‌الله منتقل شده است. در هر صورت کتاب چه مستقیماً از خاندان خواجه نصیر منتقل شده باشد و چه به واسطه که احتمالش کمتر است، چندی پس از مرگ صدرالدین علی و حداکثر تا زمان نوشتن وقفیه ربع رشیدی (۷۰۹ق)، جزو «بیت‌الکتب» ربع رشیدی شد و مهر وقف آن کتابخانه بر برگ‌های متعددی از آن کوفته شد. در وقف‌نامه رشیدالدین اشاره شده است که او همه کتب موقوفه را می‌شناخته است: «و این کتب موقوفه معروف‌اند و مشهور نزد واقف و جهالت از آن بکلی مرتفع».<sup>۳۹</sup> پس باید این کتاب مدتی در اختیار شخص او بوده باشد.

شواهد و یادداشت‌های روی کتاب درباره سرنوشت آن به مدت نزدیک به سه قرن پس از تاراج ربع خاموش است. تنها مشخص است که کتاب از ربع رشیدی خارج شده و در ابتدای قرن دوازدهم در کتابخانه سلطنتی صفوی نگهداری می‌شده است. سه عرض دید این

۳۲ ابن فوطی: ۲: ۹۱، ۳۸۶.

۳۳ همان، ۳: ۵۱۶. همچنین رک: ابوالقاسم عبدالله بن محمد الفاشانی ۱۳۸۴: ۷۳. در آن جا به سفر ده روزه اصیل‌الدین در رکاب امیر ایسن قتلغ به همدان و بازگشتش به سلطانیه سخن گفته شده است.

۳۴ آیتی: ۲۸۵.

۳۵ مباحث سلطانیه، کتابخانه نورعثمانیه، ش ۳۴۱۵، ص ۴۷-۴۷پ. تقریظ اصیل‌الدین تاریخ ندارد، ولی می‌دانیم این تقریظات را عبدالعزیز بن محمد بن محمود کرمانی در شوال ۷۰۷ق جمع کرده است (ص ۱۱۶) بنابراین تاریخ تحریر تقریظ او مربوط به پیش از این تاریخ است.

۳۶ رشیدالدین فضل‌الله همدانی ۱۳۵۸: ۶۹.

۳۷ افشار، ۱۳۳۵: ۱۲۶-۱۲۷ و ۱۳۲.

۳۸ از چند قریبه و اشاره مشخص می‌شود اصیل‌الدین نیز همچون برادرش کتابخانه درخور توجهی داشته است. از جمله قطب‌الدین شیرازی کتاب فعلت فلا تلم را به خزانه کتب او اهدا کرده است: «خدمت به خزانه کتب مولانا وسیدنا قدوة العلماء سلطان الحکماء، رئیس الاصحاب طهیر الاحباب، اصیل الملة والدين، نصر الاسلام والمسلمين، حسن بن محمد بن محمد بن الحسن الطوسي ادام الله علاؤه وزاد في مدارج الكمال ارتقاؤه، فانه امله بل لا اهل له غيره، اذ هو الحکم العدل والحکيم الفيصل، فلا سلب الله ظله و لا اعدمهم انعامه و فضله» (مینوی ۱۳۶۷: ۳۷۸؛ فعلت فلا تلم، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه شماره ۳۹۴۵، مورخ ۸۲۶ق، با خط النبیگ در صفحه عنوان، ص ۱۳). شمس‌الدین محمد بن سرتاق بن جوان بن شیرگیر بن محمد بن سلتق ورقینی مراغی نیز کتاب خود الاکمال الاصبلی فی الهندسة در تحریر کتاب الاستکمال ابن هود (۴۵۸ق) را به او تقدیم کرده است: «الی حضرة مولای سیدی... صاحب الاعظم سلطان العلماء والوزراء... اصیل الحق والملة والدين... الحسن بن المولى الاعظم نصیر الحق والدين محمد بن محمد الطوسی» (ششن، رمضان ۱۹۸۶: ۷۳۷). همچنین صفی‌الدین محمد بن تاج‌الدین علی حسنی معروف به ابن طقطقی (ح ۷۲۰ق) در ۶۹۸ق کتاب الاصبلی فی انساب الطالبین را به درخواست او نوشته و نام کتاب را به لقب او مزین کرده است (ابن الطقطقی ۱۳۷۶: ۴۸-۵۲)؛ همچنین برای روابط ابن طقطقی و اصیل‌الدین رک: ابن الطقطقی ۱۴۳۶: ۸۹-۹۰.

گفتنی است کتاب غایة الاختصار فی البیوتات العلویة المحفوظة من العبار مختصر کتاب ابن طقطقی است به همراه درج نسب و تراجم سادات رفاعی. به همین دلیل اگرچه اهدانامه کتاب الاصبلی به اصیل‌الدین حسن در آغاز آن به عینه نقل شده است ولی ارتباطی با خزانه کتب او ندارد (همو، ۲۲-۱۷ مقدمه؛ تاج‌الدین بن محمد بن حمزة بن حمزة بن زهره الحسینی نقیب حلب ۱۹۶۳م: ۱۸-۱۴).

۳۹ رشیدالدین فضل‌الله همدانی ۲۵۳۶: ۱۵۰.





تصویر ۵: همان نسخه، گ ۲۴ پ.



تصویر ۴: محاضرات الادباء، با مهر وقف کتابخانه ربع رشیدی، گ ۱ پ.



تصویر ۷: همان نسخه، صفحه خاتمه.



تصویر ۶: همان نسخه، گ ۱۷۴ پ.



کتابخانه در صفحه عنوان به این صورت نوشته شده است: «جزو اول محاضرات، قطع بزرگ، کاغذ دفتری، جلد تیماج ترنجدار، به تاریخ ۲ جمیدی الاول سنه ۱۱۰۵ تخاقوی ثیل داخل عرض شد». با مهر هشت گوش متعلق به دوران ولایتعهدی شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۰۵-۱۱۳۵): «حسین از غلامی شاه نجف / رسید از سلیمان به عز و شرف ۱۰۹۷».

«به تاریخ ۸ شهر صفر سنه ۱۱۱۵ داخل عرض شد». با مهر مستطیل: «الواق باللّه المعبود عبده محمود ۱۱۱۵» زیر آن.

«به تاریخ ۱۵ شهر شوال سنه ۱۱۲۷ داخل عرض شد». با مهر بیضوی: «نبرد التجا بغیر علی رجب علی ۱۱۰۲» زیر آن.

در صفحه آخر نسخه نیز مهر مدوری نقش بسته که به احتمال قوی گمان می‌رود متعلق به شاه سلطان حسین صفوی باشد. این مهر مدور به نقش: «بنده شاه ولایت حسین» و بدون تاریخ است و در تحقیقات مربوط به مهرهای سلاطین صفوی، به آن اشاره نشده است، هر چند چنین سجعی در مهرهای پادشاهان صفویه معمول بوده است و این خود قرینه‌ای بر انتساب مهر به اوست.<sup>۴۰</sup>

پیش از این عرضها، در نیمه قرن یازدهم مهر مدوری بر صفحه عنوان نسخه نقش بسته که حاوی عبارت: «اللّه محمد علی ۱۰۳۰» است. این مهر مجهول روی بسیاری از نسخه‌های خزانه سلطنتی صفوی دیده می‌شود ولی در هیچ کدام از آنها توضیحی درباره صاحبش داده نشده است و من نیز تاکنون موفق به شناسایی اش نشده‌ام.<sup>۴۱</sup> چندی بعد یعنی در رجب ۱۱۴۵ق نادر شاه افشار که هنوز سه سالی تا تاجگذاری اش در دشت مغان باقیمانده بود و در این زمان حکمران خراسان بود، هفتصد جلد کتاب را از کتابخانه سلطنتی دارالسلطنه اصفهان بر «ارض

فیض نشان» مشهد وقف کرد. نسخه محاضرات نیز در این شمار بود و از رجب سال ۱۱۴۵ق تاکنون در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. یادگار نگهداری کتاب در این سال‌های دراز عرض‌های متعددی است که به مرور زمان به آن افزوده شده است. به جز مهرها و عرض‌های بدون تاریخ، نسخه در محرم ۱۱۵۴، ۸ ربیع‌الاول ۱۱۹۶، محرم ۱۲۵۰، ذیقعد ۱۲۶۶، ۱۲۷۰، ۲۲ رمضان ۱۲۷۳، شوال ۱۲۸۷، ربیع‌الثانی ۱۲۸۹ و ۹ شعبان ۱۲۹۷ در آن کتابخانه عرض و ملاحظه شده است (صفحه عنوان، اپ، ۲، پ، ۲۵۴، صفحه خاتمه).

زمان الحاق دو برافزوده نسخه نیز مشخص نیست. نخست دشنامی که شخصی از شهر استرآباد در وسط سطرهای صفحه ۱۸۴پ نوشته است و دیگر یادداشت‌های توضیحی کسی به نام محمدباقر بن محمدمهدی که چندین جای نسخه دیده می‌شود (ص ۸ پ، ۴۴پ، ۷۸ر، ۲۵۴ر و بدون امضا در ۳۹ر، ۴۱ر، ۶۵ر). رکابه‌های نسخه نیز ظاهراً به خط اوست.<sup>۴۲</sup>

## ۲. شرح القانون ابن سینا

از شارحی ناشناخته با عنوان: «قال الشيخ الرئيس - الشرح». تاریخ کتابت نسخه مربوط به قرن ششم هجری است و به دلیل افتادگی آغاز و انجام هیچ نشان مالکیت یا برافزوده‌ای ندارد. تنها مهر کوفته شده روی آن مهر وقف کتابخانه رشیدی است که در برگ‌های ۳ر، ۱۵ر، ۲۴ر، ۳۰ر، ۴۳ر، ۴۷ر دیده می‌شود. همه مهرهای این نسخه سالم است و بر خلاف اکثر نسخه‌های برجای مانده از کتابخانه رشیدی کوششی برای مخدوش کردن آنها نشده است. نسخه تصحیح شده و بلاغ مقابله دارد. در بعضی صفحات هم با خطی جدید کلمات حرکت‌گذاری شده است.

<sup>۴۰</sup> در میان محققان کریم‌زاده تبریزی (۱۳۸۵: ۱۰۱-۱۲۷) بیشترین نقش مهر را برای شاه سلطان حسین صفوی، دوازده تا، برشمرده است که از میان آنها در پنج مهر علاوه بر عبارت: «بنده شاه ولایت حسین» جملات و کلمات دیگری دورتادور یا بالای آنها در کلاهک مهر نقش بسته است. ترکیب حروف و نقش مهر در سه مهر مدور از این پنج مهر شباهت تامی با این مهر دارد. نمونه مهر نسخه مشهد تاکنون در نسخه یا سندی دیگر سراغ داده نشده است.

<sup>۴۱</sup> برای نمونه و نه از باب استقصای تام و کامل، من آن را روی این نسخه‌ها دیده‌ام که همگی عرض دید کتابخانه صفویه را دارند: کتابخانه آستان قدس رضوی، نسخه‌های شماره ۳۴۵۷ (اخلاق علائی)، ۴۳۴۹ (ریاض‌الابرار)، ۵۰۹۴ (مقاله فی الفصد)، ۵۱۱۱ (شرح الکناش)، ۵۱۴۰ (معالم الشفاء)، ۵۱۵۰ (معالمجالت البقراطیه)، ۵۳۴۶ (توضیح التذکره)، ۵۳۳۰ (ادوار الانوار)، ۵۳۷۵ (لوايح القمر)، ۵۳۸۱ (اختیارات منظوم)، ۵۱۰۳ (الموجز فی شرح القانون)؛ کتابخانه مجلس سنا، شماره‌های ۵۵۸ (بهجةالمباهج) و ۶۰۷ (شرح شذور الذهب)؛ کتابخانه مجلس شورا، شماره ۷۸۰۲ (دیوان بابا فغانی شیرازی)؛ کتابخانه ملک، شماره ۴۶۹۲ (خمسه نوایی)؛ کتابخانه مرعشی قم، شماره ۸۶۲۴ (مجالس العشاق)؛ کتابخانه دانشگاه تهران، شماره ۴۴۸ (مجموعه رسائل پزشکی)؛ کاخ گلستان، شماره ۳۱۶ (کلیات جامی)؛ کتابخانه حالت افندی استانبول، نسخه‌های شماره ۳۰۸ (تحفة الاحرار) و ۷۲۵ (نصایح خواجه عبداللّه انصاری)؛ موزه هنر والترز، شماره ۴۴۶ (سه رساله جامی).

<sup>۴۲</sup> این نسخه بدون اشاره به هیچ کدام از خصوصیات مهمش در فهرست کتب کتابخانه مبارکه آستان قدس رضوی (۱۳۰۵ش)، ص ۱۹۴ معرفی شده است. اما بعدتر شیخ آقا بزرگ تهرانی در طبقات اعلام الشیعه، قرن هفتم، ص ۱۱۴ به اجمال آن را شناسایی و به اهدای کتاب از طرف اربلی به صدرالدین علی طوسی اشاره کرده است.



تصویر ۹: همان نسخه، گ ۲۲ ر.



تصویر ۸: شرح القانون، قرن ۶ هـ، با مهر وقف کتابخانه ربع رشیدی، گ ۱۵ ر (مجموعه سید محمدصادق خرازی، ش ۶۲۴).



تصویر ۱۱: همان نسخه، گ ۴۷ ر.



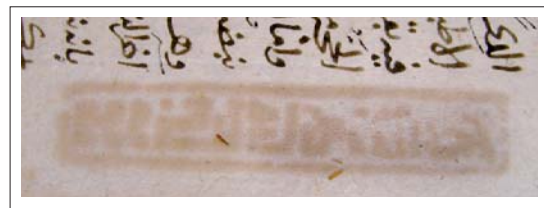
تصویر ۱۰: همان نسخه، گ ۲۴ ر.



عمده‌ترین آسیب آن افتادگی برگ‌های متعددی از آغاز و انجام و وسط نسخه است. در همین ۵۰ برگ باقیمانده نیز مقداری بی‌نظمی و جا به جایی در صحافی به چشم می‌خورد. البته خوشبختانه همه برگ‌های موجود نسخه سالم و بدون آسیب دیدگی است.

برگ‌های نخست هر جزو، شمارش شده بوده است و بعضی از این شماره‌ها اکنون در گوشه سمت چپ بالای آنها باقیمانده است: سادسه (۸ر)، خامسه (۱۶ر)، حادی عشر کراس (۱۸ر)، ثالثة عشر (۴۶ر)، ثانیه عشر (۴۹ر). اگر تعداد برگ‌های هر کراسه را مطابق معمول اکثر نسخه‌های قرن ششم ده برگ فرض کنیم، این نسخه پیش از افتادگی حداقل ۱۳۰ برگ داشته است.

سطح مکتوب هر صفحه ۱۷×۱۰ سانتیمتر و اندازه جلد کهنه نسخه که مرمت شده ۲۱/۶×۱۴ سانتیمتر است. این نسخه در مجموعه دکتر سید محمدصادق خرازی (شماره ۶۳۴) نگهداری می‌شود.



تصویر ۱۲: همان نسخه، اثر مهروقف کتابخانه رشیدی بر پشت برگ سوم.

### ۳. مجموعه

شامل دو کتاب، محفوظ به شماره ۹۰۳ در کتابخانه کوپریلی استانبول:

کتاب النجاة ابن سینا، شامل بخش‌های طبیعیات و الهیات و منطق (۱پ - ۱۶۲پ).

و بستان الاطباء و روضة الالباء تألیف ابونصر اسعد بن الیاس بن جرجیس بن مطران دمشقی (۵۸۷ق) ۴۳ که بخشی از کتاب است با افتادگی از آغاز و انجام (۱۶۳ر - ۲۲۰پ) ۴۴.

مهر کتابخانه ربع رشیدی در سه جای این نسخه و

البته تنها در حاشیه برگ‌های کتاب اول دیده می‌شود و هر سه آنها هم بدون دستخوردگی است: ۱۰۱ر، ۱۰۸پ، ۱۰۹پ. با توجه به خط و کاغذ و سائر ویژگی‌های نسخه‌شناختی در اصل دو کتاب این مجموعه، مربوط به دو نسخه متفاوت بودند و یک یا دو قرن در زمان کتابت با هم فاصله دارند، النجاة از قرن ششم و بستان الاطباء از قرن هفتم هجری، ولی اینک در یک مجلد کنار هم جای گرفته‌اند.

با توجه به انحصار برگ‌های مهرشده به کتاب اول، این سؤال مجال طرح می‌یابد که این دو کتاب به همین صورت و کیفیتی که اکنون در دست ماست در کتابخانه ربع رشیدی نگهداری می‌شده یا آنکه تنها کتاب ابن سینا به آن جا تعلق داشته است؟

هر چند زمان دقیق الصاق این دو کتاب به هم مشخص نیست اما با قرائنی تقریباً با اطمینان باید گفت تنها کتاب ابن سینا در ابواب البر رشیدی بوده و کتاب دوم مربوط به آنجا نیست.

با در نظر گرفتن امکانات مالی خواجه رشیدالدین، عجیب است اگر تصور کنیم در کتابخانه او یا به امر او دو کتاب ناقص غیر مرتبط از لحاظ موضوعی را برای کاستن از هزینه‌ها یا هر دلیل دیگر در یک مجلد صحافی کنند. اگر هم فرض کنیم این الحاق پیش از تملک نسخه‌ها به دست رشیدالدین صورت گرفته، چرا مهر کتابخانه او، تنها روی یکی از کتاب‌ها کوفته شده است؟

افزون بر آن هر دو کتاب نشانه‌های وقف بر خود دارند، اما هر کدام متفاوت از دیگری. النجاة مهر کتابخانه رشیدی دارد و بستان الاطباء نشان کشیده وقف بر پاره‌ای از صفحات، به این صورت که کلمه «وقف» با کشیدگی حرف «ف» تقریباً به اندازه عرض سطح مکتوب هر صفحه بر بالای صفحات ۴۵ این دوگانگی در نشان وقف، حکایت از دو گونه وقف مختلف می‌کند. ضمن آنکه چنین نشان وقفی در هیچ کدام از دیگر نسخه‌های شناخته‌شده از موقوفات کتابخانه رشیدی دیده نشده است.

۴۳ این کتاب مجموعه‌ای از مطالب گوناگون پزشکی و حکایات و داستان‌های علمی و تاریخی است که ضمن مطالعه کتب و مجالست با شیوخ و علماء جمع شده است. اگرچه مطالب نقل شده در کتاب بیشتر مربوط به علم پزشکی و تعاریف و اصطلاحات آن و خواص ادویه و سخنان پزشکان و ضبط کلمات و واژه‌های پزشکی و داروئی است، اما منحصر به آنها نیست و دانشهای دیگر را نیز در بر می‌گیرد.

بستان الاطباء از روی نسخه کهنی از قرن ششم هجری در کتابخانه ملک (شماره ۴۲۱۰) که در صفحه اول اجازه مؤلف به شاگردش [مهذب‌الدین بن] عبدالرحیم بن علی معروف به دخوار طیب را دارد، به صورت عکسی منتشر شده است (با مقدمه مهدی محقق، تهران، بنیاد دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مرکز انتشار نسخ خطی، ۱۳۶۸ش).

۴۴ در فهرست کتابخانه کوپریلی این کتاب به صورت ناشناخته و با نام «قطعة من کتاب الطب» معرفی شده است. رک: ششن، رمضان، ۱۹۸۶م، ۱: ۴۴۶. همچنین در فهرست اشاره‌ای به مهرهای کتابخانه رشیدی روی برگ‌های این نسخه نشده است.

۴۵ نشان وقف معمولاً در نسخه مخدوش شده و این کار به قدری بی‌ظرافت انجام گرفته که باعث صدمه به کاغذ و چروک شدن و گاه پارگی آن شده است (رک: گ ۱۷۴پ، ۱۷۵ر، ۲۱۴پ، ۲۱۵ر). تنها در گ ۱۹۰پ و ۱۹۱ر این نشان سالم مانده است.



تصویر ۱۴: همان نسخه، مهر وقف کتابخانه رشیدی، گ ۱۰۹ پ.



تصویر ۱۳: النجاة ابن سینا، قرن ۶ هـ، آغاز بخش طبیعیات، گ ۱ پ (کوپریلی، ش ۱/۹۰۲).



تصویر ۱۶: همان نسخه، گ ۱۰۱ پ.



تصویر ۱۵: همان نسخه، گ ۱۰۸ پ.

همچنین با توجه به نوع چرم استفاده شده در جلد و کاغذهای ابر و باد درون آن، صحافی نسخه جدیدتر از زمان کتابت و از حدود قرن یازدهم هجری است. شماره گذاری برگها هم به قلم ترکی صورت گرفته و احتمالاً مربوط به زمان صحافی یا کمی پس از آن است و به نظر من در همین زمان این دو کتاب به هم پیوسته اند. با توجه به مهرهای کتابخانه کوپرلی<sup>۴۶</sup> با اطمینان می دانیم که این الصاق و الحاق پیش از بنای این کتابخانه در سال ۱۰۷۰ق انجام گرفته است.

النجاة بعد از برگ ۱۰۱ برگهای چندی افتادگی دارد و خط بستان الاطباء در برگهای ۲۱۷-۱۸۰ متفاوت است. اندازه نسخه ۲/۱۶×۲۰ سانتیمتر و سطح مکتوب رساله اول ۵/۱۰×۵/۱۳ سانتیمتر است. هر صفحه کتاب ابن سینا ۱۴ سطر دارد و به خط نسخ مشکول نوشته شده است. عناوین مقالات نیز به خط کوفی تزئینی زیبا کتابت شده است.

#### ۴. المائة فی صناعة الطب

تألیف ابوسهل عیسی بن یحیی گرگانی (۴۰۱-۳۶۱ق) که در پایان حاشیه کوتاهی از امین الدوله هبة الله بن صاعد بن ابراهیم ابن تلمیذ بغدادی (- ۵۶۰ق) بر بخش هایی از آن نیز نوشته شده است (گ ۲۵۴ر - ۲۶۲پ)<sup>۴۷</sup>.

همه نسخه به خط هبة الله بن ملکا نصرانی متطبب تکریتی است که آن را برای خود نوشته و در انجامه هر دو کتاب و نیز صفحه عنوان به این مالکیت تصریح کرده است. کتاب المائة در شنبه سوم ذیحجه ۶۴۳ق برابر ۱۱ نisan سال ۱۵۵۷ اسکندر یونانی از روی خط مؤلف (دستور المصنف)<sup>۴۸</sup> نوشته و با آن مقابله و تصحیح شده است. تاریخ انجام رساله دوم شنبه ۱۷ ذیحجه ۶۴۳ق است. در هر دو انجامه به نام شهر تکریت به عنوان محل کتابت اشاره شده است.

بسیاری از حاشیه های نسخه از خود مؤلف است که کاتب آنها را با عبارت: «حاشیه له» یا صورت اختصاری

آن: «ح له» مشخص کرده است. او در حواشی مفصل تر، بخشی از فضای معمول کتابت خود در انتهای سطرها را خالی گذاشته و در فضای خالی ایجاد شده با گردش نود درجه ای قلم به صورت عمودی به کتابت آنها پرداخته است (برای نمونه ص ۳۳، ۴۳، ۸۳، ۹۶، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۳۷، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۰ و...) .

پشت صفحه نخست کتاب<sup>۴۹</sup>، ۲، ۳، ۱۳۶، ۱۳۸، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۶۱ پ مهر وقعی کتابخانه ربع رشیدی کوفته شده بود که همه آنها به صورت کامل پاک شده اند و جز صورتی محو از آن بر جای نمانده است. اما به خاطر جنس مرکب استفاده شده در مهر اگر چشمی آشنا به برگهای نسخه بیفتد از اثرات برجای مانده، می تواند آن را شناسایی کند. نسخه پس از خروج از کتابخانه ربع رشیدی بسیار دست به دست شده است اما بیشتر نشانه های ملکیت و مهرهای مالکان سیاه یا سترده شده است. در صفحه عنوان و صفحه خاتمه نسخه حداقل هشت مهر و یادداشت تملک از بین رفته می توان دید. اما بر اساس یادداشت های باقیمانده این کسان روزگاری نسخه را در اختیار داشته اند: محمد بن محمود مدعو به جلال طبیب در رجب ۹۶۰ق، ابونصر حسن بن اسماعیل، ابوتراب طبیب، تقی بن حمزه طبیب و محمدحسین بن تقی طبیب.

این نسخه به وساطت محمدکریم باریک بین در بهمن ۱۳۴۳ش از مجموعه یکی از اطباء قدیمی قزوین به کتابخانه مجلس شورای اسلامی منتقل شد و اکنون به شماره ۶۳۳۵ در آن جا نگهداری می شود.

#### ۵. شرح الاشارات والتنبیها

تألیف شمس الدین محمود بن عبدالرحمن اصفهانی (۷۴۹-۶۷۴ق).

این نسخه فقط بخش منطق و طبیعیات را دارد و ظاهراً تنها نسخه شناسایی شده از این گزارش است.<sup>۵۰</sup>

<sup>۴۶</sup> بر نسخه دو نوع مهر از مهرهای کتابخانه کوپرلی زده شده است: مهر هشت گوشه به نقش: «انما لكل امریء ما نوى» در صفحات ۱، ۲، ۲۵، ۵۳، ۸۴، ۹۶، ۱۰۸، ۱۶۲، ۱۸۵، ۲۲۲ پ و مهر مدور بزرگ: «هذا مما وقفه الوزير ابوالعباس احمد ابن الوزير ابی عبدالله محمد عرف بکوپرلی اقال الله اغناهما ۱۰۸۸» در صفحات ۱، ۵۴، ۱۶۱، ۲۲۲.

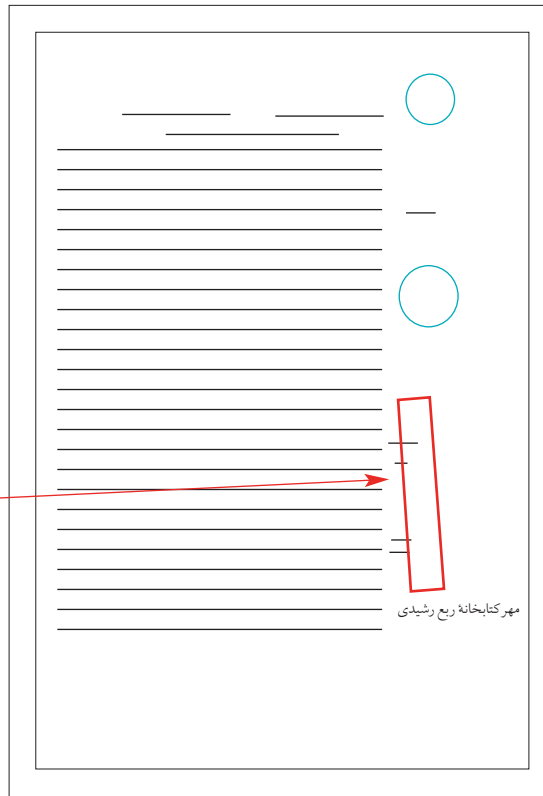
<sup>۴۷</sup> حائری، عبدالحسین ۱۳۵۰، ۱۹: ۳۵۰-۳۵۳. میکروفیلمی از این نسخه در معهد المخطوطات العربية قاهره نگهداری می شود. رک: فهرست المخطوطات المصورة، الجزء الثالث، العلوم القسم الثاني، الطب الكتاب الثاني، القاهرة، معهد المخطوطات العربية، ۱۳۹۸ق، ص ۲۱۶-۲۱۶. برای نسخه های دیگر این کتاب رک: سرگین ۱۳۸۰: ۴۶۰-۴۶۱.

<sup>۴۸</sup> عبارت «دستور المصنف» که در انجامه کاتب استفاده شده به معنای نسخه اصل به خط مؤلف است. رک: Gacek, Adam 2012: 46. در انجامه نسخه شماره ۱۸۳۸ع کتابخانه ملی ایران (تنقیح المکتون من مباحث القانون خجندی، مورخ ۶۹۱ق در تبریز) هم برای اشاره به نسخه خط مؤلف از همین تعبیر استفاده شده است.

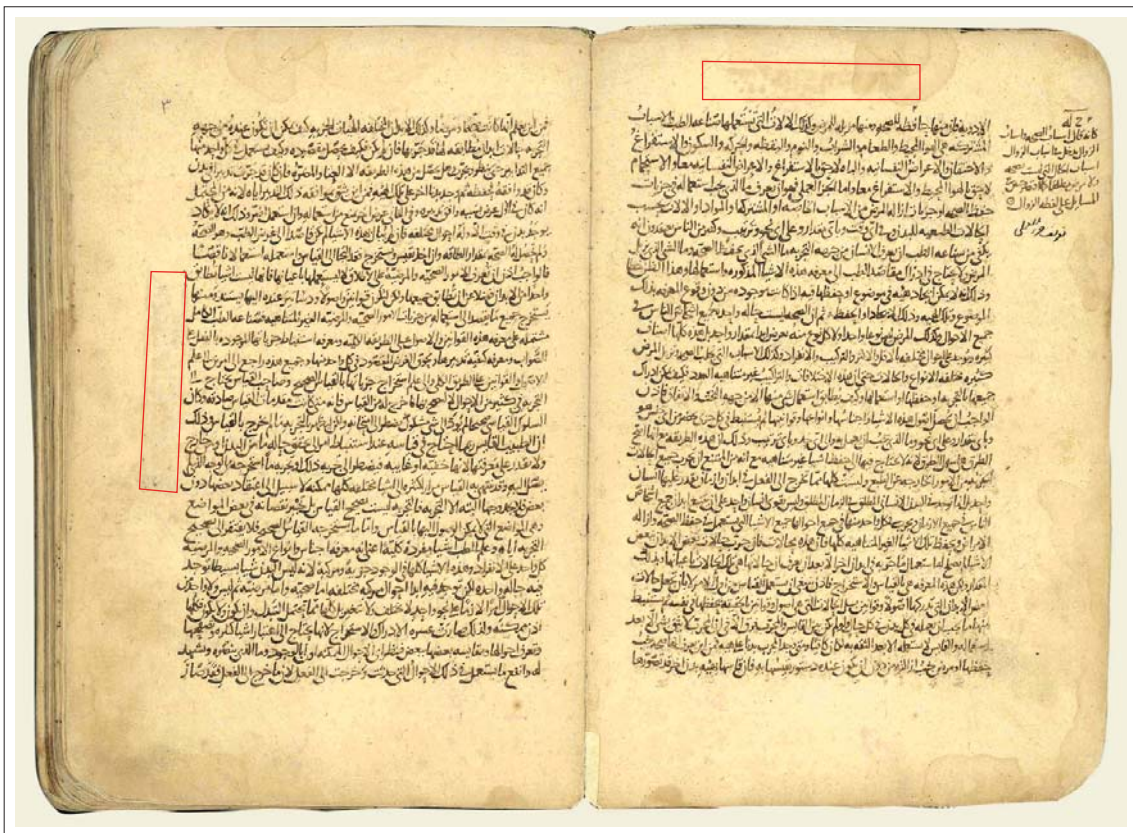
<sup>۴۹</sup> چون در برگشماری نسخه در کتابخانه، برگ اول بدون شماره است، از آن به این عبارت یاد شد.

<sup>۵۰</sup> برای اطلاعاتی درباره این شرح رک: Wisnovsky 2014: 353-356.





تصویر ۲۰: المائة فی صناعة الطب. عیسی بن یحیی گرگانی، به خط هبة الله بن ملکا نصرانی مطبوع تکریتی در ۶۴۳ هـ. دارای نقش محوشده مهر کتابخانه رشیدی در حاشیه صفحه، گ ۱ پ (مجلس شورای اسلامی، ش ۶۳۳۵)



تصویر ۲۱: همان نسخه، آثار برجما مانده از نقش محوشده مهر کتابخانه رشیدی، گ ۲ پ - ۳.







تصویر ۲۲: همان نسخه، صفحه خاتمه.



تصویر ۲۳: همان نسخه با اثر بجا مانده از مهر کتابخانه رشیدی در حاشیه، گ پ.

مؤلف و نام خود را به رنگ شنگرف و زنگار نوشته است. او که خود نخستین مالک کتاب بوده، مدتی بعد از کتابت آن را به شخصی دیگر تقدیم کرده بود که نامش خوانده نمی‌شود. کلمات دیگری از این تقدیم‌نامه، از جمله نام نیا و نسبت کاتب، نیز خوانا نیست: «المجلد الثالث من شرح الاشارات للشيخ الرئيس، صنفه الفاضل العلامة افضل العلماء والمحققين نصير الملة والدين الطوسي... صاحبه وکاتبه الراجی الی الله تعالی احمد بن محمد بن... لاجل... متعه بفضلک وجودک».

نسخه شامل مباحث الهیات اشارات یعنی نمط چهارم تا نمط دهم آن است و به جز افتادگی از انجام، پس از برگ‌های ۱۱۲ و ۱۱۸ و ۱۵۸ و ۱۶۲ نیز افتادگی دارد. برگ‌های ۱۷-۷ نسخه نونویس است و نیمی از چهار برگ آخر نسخه هم پاره شده است. با خطی جدیدتر از متن و احتمالاً در قرن دهم هجری بعضی از اغلاط در خود متن خط خورده و اصلاح شده است. همین شخص بیشتر حروف و کلمات کمرنگ‌شده متن را پررنگ کرده است. تعداد کمی از اصلاحات نسخه مربوط به زمان کتابت اصل نسخه است.

عناوین نسخه به شنگرف یا زنگار نوشته و

مهر کتابخانه رشیدی بر برگ‌های آغازین و انجامین این نسخه (برگ‌های اپ، ۲، ۳، ۴، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۷) مخدوش شده است. محوکردن و از بین بردن آثار مهر در چند مورد باعث پارگی و سوراخ‌شدن کاغذ نسخه و چسباندن تکه‌ورقی کوچک برای مرمت آن شده اما همچنان صورت محوی از حروف و جدول دورتادور آن در پشت برگها بر جای مانده است. نسخه ۲۸۷ برگ ۲۳ سطری است که اندازه هر ورق ۱۶×۲۴ سانتیمتر است.

این نسخه جزو کتابخانه وقفی ترخان والده سلطان، مادر سلطان مراد چهارم عثمانی (حک ۱۰۴۹-۱۰۳۲ق)، بوده است (شماره ۲۰۶) و اکنون در کتابخانه سلیمانیه استانبول نگهداری می‌شود.

### ۶. حل مشکلات الاشارات والتنبیها

تألیف خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲-۵۹۷ق) که مهمترین و مشهورترین اثر فلسفی اوست. به خاطر نقصان از انجام و افتادگی احتمالی انجامه، تاریخ دقیق کتابت نسخه مشخص نیست ولی از قرن هفتم فراتر نمی‌رود. کاتب در صفحه عنوان نام کتاب و





تصویر ۲۵: همان نسخه، گ پ.



تصویر ۲۴: حل مشکلات الاشارات و التنبیها، با مهر سیاه شده کتابخانه رشیدی، صفحه عنوان (کتابخانه ملی ایران، ش ۲۳۱۶).

نشان می دهد نسخه مدتی در اختیار یکی از اهالی آن سرزمین بوده است. تملک عبدالرحیم بن ابراهیم متطبب و مهر بیضوی: «لا اله الا الله الملك الحق المبين عبده محمد تقی» دیگر نشانه های مالکیت روی نسخه است. در برگ الحاقی انجام نسخه سؤال و جوابی فقهی از «سرکار آقا سید باقر مجتهد العصر سلمه الله تعالی» مشخص می کند به روزگار حیات سید محمد باقر شفتی (ح ۱۱۷۵-۱۲۶۰ق) نسخه در ایران بوده است. اوراق باقیمانده نسخه ۱۸۷ ورق است به اندازه ۱۷/۲×۹/۳ سانتیمتر. هر صفحه ۲۱ سطر دارد و سطح مکتوبش نیز ۱۲/۵ سانتیمتر است. این نسخه به شماره ۶/۲۳۱۶ در کتابخانه ملی ایران نگهداری می شود و از نسخه هایی است که همراه با مجموعه کتابخانه پهلوی به این کتابخانه منتقل شده است.<sup>۵۱</sup>

\* \* \*

نقطه گذاری و حرکت گذاری آنها با رنگ مخالف انجام شده است. بین جملات و بندها علامتی شبیه به ویرگول به شنگرف کشیده شده است. مهر کتابخانه رشیدی در هیئت کنونی نسخه در دو موضع قابل تشخیص است: پشت برگ اول و پایین برگ ۳۶. هر دو مهر برجای مانده آنچنان سیاه و سترده شده اند که بدون شناخت پیشینی، تشخیص آنها ممکن نیست. شدت عمل برای محو کردن مهر به اندازه ای بوده که در برگ ۳۶ کاغذ نسخه از دو جا، وسط و انتهای مهر، پاره شده است. اندازه مستطیل باقیمانده از مهر دقیقاً ۱۳×۷۴ میلیمتر است و کاملاً مطابق با دیگر نمونه های باقیمانده از مهر ربع رشیدی. بالای صفحه نخست مهری متعلق به یکی از ساکنان عثمانی نقش بسته است: «یا خفی الالطاف / نجتاً مما نخاف / واقفنا البلوی محمود بن فتح الله ... (۴)» که

۵۱ این نسخه بدون اشاره به مهر کتابخانه رشیدی و نیز بعضی دیگر از خصوصیات نسخه شناختی اش در فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ایران، ج ۱۲، ص ۲۵-۲۷ معرفی شده است.

برادرش مراودات طولانی مدت با رشیدالدین داشتند. بودن دو کتاب پزشکی (ش ۱ و ۳) نیز با توجه به طبیب بودن رشیدالدین امری طبیعی است و نشان‌دهنده علاقه‌اش به این علم. پیشه بیشتر یهودیان ایران از دیرباز طبابت بود و آنها در این علم شهرت داشتند. لذا عجیب نیست که همه قبیله رشیدالدین عالمان «طب» بودند<sup>۵۶</sup> و او این فن را نزد پدرش، عمادالدوله ابی‌الخیر یحیی، و عموها و خویشاوندانش که در پزشکی حاذق بودند، آموخته بود.<sup>۵۷</sup> برادرش نیز طبیب بود<sup>۵۸</sup> و خودش نیز نخستین بار به عنوان طبیب به دربار مغولان پیوست. علاقه‌اش به این علم تا آن اندازه پرشور بود که در طلب طب در اطراف سفر می‌کرد. از جمله به یزد رفت و با شرف‌الدین علی بن رضی‌الدین طبیب که همه خاندانش به طب شهرت داشتند، آشنا شد و کتاب‌هایی از او گرفت.<sup>۵۹</sup> به جز دارالشفاء ربع رشیدی، در همدان<sup>۶۰</sup> و بصره<sup>۶۱</sup> بیمارستان ساخت و تجدید فعالیت بیمارستان اتابکان فارس در دروازه سلم شیراز هم مرهون پشتیبانی او بود.<sup>۶۲</sup> به رغم آن که نخستین شرط رشیدالدین برای انتخاب فقهای ربع دوری آنها به هر نحو ممکن از فلسفه و الزامشان به این مطلب بود که تنها درس فقه و اصول دین و دیگر علوم بخوانند: «به شرط آنکه قطعاً پیرامون درس فلسفه نگردند و نخوانند و به آموختن آن رغبت نمایند و

بنا بر وقفنامه ربع رشیدی می‌دانیم که رشیدالدین همه کتاب‌های خود را دقیق می‌شناخته است: «و کتب که در آنجا نهاده و تفصیل آن پیش متولی محفوظ و مضبوط، و مرا علم به کمیت و کیفیت مجموع و افراد آن حاصل است و» و این کتب موقوفه معروف‌اند و مشهور نزد واقف و جهالت از آن بکلی مرتفع»<sup>۵۲</sup> بنابراین با بررسی نسخه‌های برجای مانده می‌توان نوع کتابهای مورد علاقه و اهتمام او را شناخت. در جدول شماره ۱ مشخصات همه نسخه‌های مهرداد شناسایی شده ربع رشیدی نشان داده شده است. طبق این لیست، مؤلف (ش ۹) و کاتب (ش ۵) و مالک (ش ۶) سه نسخه با رشیدالدین ارتباط مستقیم داشته‌اند. وصاف‌الحضره برخوردار از نعم رشیدالدین بود و تاریخ خود را به واسطه او در ۷۰۲ق (مجلد اول) و ۷۱۲ق به دو سلطان مغول، غازان و اولجایتو، تقدیم کرده بود و او را «مخدوم» خود می‌دانست. قطب‌الدین شیرازی به عربی (در اواسط شعبان ۷۰۶ق در تبریز) و فارسی (اواسط رجب ۷۰۶ق)<sup>۵۳</sup> بر مجموعه رشیدیه تقریظ نوشته بود و رشیدالدین نیز رساله هشتم لطائف الحقائق، آثار معجزات نبوی، را برای مطالعه نزد او فرستاده بود.<sup>۵۴</sup> بخشی از رساله سوم بیان الحقایق هم گزارش مباحثه درگرفته بین او و رشیدالدین در تبریز در ۷۰۷ق است.<sup>۵۵</sup> صدرالدین علی طوسی نیز احتمالاً خودش و به یقین

۵۲ رشیدالدین فضل‌الله همدانی ۲۵۳۶: ۱۵۰. رشیدالدین در وقفنامه تنها درباره یک موضوع دیگر بدین گونه سخن گفته و آن هم درباره غلامانش است: «دویست بیست نفر غلام... که پیش من که واقفام معلوم و مشخص‌اند با عیانهم و اسامیهم» (همان). بنابراین به یقین می‌توان گفت سخن او درباره شناخت همه کتابها گرافه یا اغراق نیست و بیان واقعیت است.

۵۳ تنها متن تقریظ فارسی قطب‌الدین منتشر شده است. رک: «تقریظ علامه قطب‌الدین شیرازی بر آثار خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی»، غلامرضا پرنده، در مجموعه رسائل فارسی، زیر نظر نجیب مایل هروی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸ش، ۵: ۱۳۱-۱۳۴. برای متن هر دو تقریظ رک: مباحث سلطانی، کتابخانه نورعثمانیه، ش ۳۴۱۵، ص ۲۹ ر - ۳۱ پ.

۵۴ برای روابط همراه با فراز و نشیب قطب‌الدین شیرازی با رشیدالدین رک: رشیدالدین فضل‌الله همدانی ۱۳۵۸: ۲۲-۲۳ مقدمه؛ میر، محمدتقی ۲۵۳۶: ۴۶-۵۰؛ مینوی ۱۳۶۷: ۳۵۳-۳۵۵؛ همام تبریزی ۱۳۹۴: هشتاد و دو مقدمه، ۴۷، ۲۹۱؛ الهادی، یوسف ۱۳۹۴: ۴۸-۵۳.

۵۵ رشیدالدین فضل‌الله همدانی ۱۳۸۶: ۱۰۸-۱۱۴.

۵۶ بنا بر گفته ابن‌فوطی خاندان رشیدالدین به طب و حکمت شهره بودند (ابن‌فوطی: ۲: ۶۲ و ۵: ۶۱۳). رشیدالدین خود نیز نیاکانش را «اطبای بزرگ معتبر» خوانده است. رک: رشیدالدین فضل‌الله همدانی، جامع التواریخ ۱۳۹۴: ۲: ۸۷۴ و ۸۷۹.

۵۷ رشیدالدین در بیان الحقایق به این مطلب چنین اشاره کرده است: «استفاد من المرحوم والده واعمامه واقاربه الذین کانوا حاذقین فی فن الطب». رک: بیان الحقایق (عربی)، کتابخانه قلیچ علی پاشا، ص ۲۶۹.

۵۸ این نکته از مجموعه‌ای پزشکی که برای او نوشته شده و اکنون در موزه ملی دمشق (شماره ۱۳۰۸/ع) نگهداری می‌شود، به دست می‌آید. برای تصاویری از این نسخه رک: المؤذن، منی ۲۰۰۸م: ۶۲-۶۳ (با تشکر از استاد یوسف الهادی که این منبع را در اختیار بنده قرار دادند).

۵۹ جعفر بن محمد بن حسن جعفری، تاریخ یزد ۱۳۳۸: ۹۲؛ احمد بن حسین بن علی کاتب، تاریخ جدید یزد ۲۵۳۷: ۱۳۴. اصل اطلاعات و مطالب کتاب تاریخ جدید یزد برگرفته از تاریخ یزد جعفری است. این نکته درباره مطالب مربوط به رشیدالدین نیز با تطبیق هر دو تاریخ کاملاً عیان می‌شود. با این توضیح باید اشاره شود که موضوع کتاب‌گرفتن رشیدالدین از شرف‌الدین علی طبیب تنها در تاریخ جدید یزد ذکر شده و جعفری چنین مطلبی را در کتاب خود نیاورده است. محتمل است این مطلب از افزوده‌های احمد کاتب باشد یا آنکه نسخه مورد استفاده او حاوی آن بوده باشد. در هر صورت، در تاریخ جدید یزد به موضوع این کتاب‌ها اشاره نشده است اما با توجه به طبیب بودن خواجه رشیدالدین و شرف‌الدین علی بسیار محتمل است این کتاب‌ها طبی بوده باشند.

۶۰ رشیدالدین فضل‌الله همدانی ۱۳۵۸: ۲۱۳ و ۲۳۶-۲۳۵. ۶۱ همان، ۲۲. ۶۲ همان، ۲۳۳-۲۳۲.

اگر آموخته باشند ایشان را تعیین نکنند، چه مزاج ایشان مخبط و گستاخ شده باشند»<sup>۶۳</sup> اما خود کتاب‌هایی فلسفی بر کتابخانه ربع رشیدی وقف کرده است (شرح الاشارات، ش ۱۰؛ النجاة ابن سینا، ش ۲؛ حل مشکلات و الاشارات و التنبهات، ش ۷)<sup>۶۴</sup> گرچه اصولاً وقف از مقوله دیگری است و وقف یک کتاب ملازمتی با مقبول بودن محتوای آن نزد واقف ندارد اما دلیل دیگری برای این مطلب می‌توان جست. کلام اسلامی از سده سوم هجری مباحثی فلسفی داشت اما فلسفی شدن علم کلام با نوشته‌های فخرالدین رازی و خواجه نصیرالدین طوسی وارد مرحله‌ای تازه شد و کلام بیش از گذشته به فلسفه وابسته شد، تا حدی که در بسیاری از مسائل دانستن تدقیقات و ملاحظات، منوط به دانستن ریشه مسئله در حوزه فلسفه شد. به همین صورت خواجه رشیدالدین نیز با مباحث فلسفی آشنا بود؛ همچون بیشتر متکلمان اشعری مسلک زمان خود که علی‌رغم استفاده از فلسفه، همواره با فلسفه ضدیت داشتند. از رشیدالدین جز بخش‌هایی جسته و گریخته در بیان الحقائق، کتاب فلسفی مستقلی برجای نمانده و در فهرست تألیفاتش نیز به کتابی در این موضوع اشاره نشده است اما بخش‌هایی از نظرات فلسفی او را علامه حلی در

کتاب کشف الخفاء فی شرح الشفاء ذکر کرده است.<sup>۶۵</sup> علامه حلی در ابتدای رساله الفرق بین کلام النبی و قول الوصی به جلسات علمی شبانه خود با رشیدالدین اشاره کرده است.<sup>۶۶</sup> به احتمال این منقولات فلسفی حاصل مباحثات همان جلسات علمی بوده باشد.

علامه حلی در کتاب کشف الخفاء تنها از دو نفر یاد کرده است: نخست خواجه نصیرالدین طوسی که فقط یک بار در اوائل کتاب است (گ ۴ پ) و دیگری خواجه رشیدالدین به صورت مکرر و همه جا با خطاب احترام‌آمیز و یکسان «قال افضل العصر خواجه رشید الحق والدین عز نصره / عزت انصاره».<sup>۶۷</sup>

در رساله کوتاه علامه حلی درباره حقیقت الوان نیز بیشترین تأکید علامه حلی بر ذکر نظریات خواجه رشیدالدین است. استدلال‌های رشیدالدین در آن جا همه رد نظر حکما و مخصوصاً ابن سیناست.<sup>۶۸</sup>

از سوی دیگر این طرد شدید فلسفه در وقفنامه به جدال‌های سیاسی او و مخالفتش بازمی‌گردد. ربع رشیدی در سال‌های زوال فلسفه در شرق جهان اسلام تأسیس شد و دید بدبینانه به فلسفه در بیشتر مردمان آن روزگار رواج داشت و رشیدالدین نیز در تفسیر قرآن مذاق و مشربی را

<sup>۶۳</sup> رشیدالدین فضل‌الله همدانی ۲۵۳۶: ۱۷۳-۱۷۴.

ستیز با فلسفه و ممنوعیت تعلیم و نشر کتاب‌های فلسفی و حکمی در مدارس علمیه در ادوار بعد نیز گاه‌گاه دیده می‌شود که برای نمونه به دو مورد از شیعیان و اهل تسنن اشاره می‌شود:

فضل‌الله بن روزبهان خنجی اصفهانی (۹۲۷ق) در سلوک الملوک، تألیف ۹۲۰ق، که طرح یک حکومت اسلامی برای ارائه به عبیدالله خان حاکم بخارا است، به تندی در برابر فلسفه خوانان موضع می‌گیرد و می‌نویسد: «بر شیخ الاسلام واجب باشد که از تعلّم آن منع کند و اصلاً نگذارد که کسی به درس و افاده آن مشغول گردد که جمیع فسادات که در اسلام ناشی شده، منشأ آن اشتها علوم فلاسفه است». فضل‌الله بن روزبهان خنجی اصفهانی ۱۳۶۲: ۹۸.

همچنین وقفنامه مدرسه مریم بیگم دختر شاه صفی ساخته ۱۱۱۵ق و مدرسه چهارباغ/سلطانی ساخته شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۳۵-۱۱۰۵ق) طی سال‌های ۱۱۱۶-۱۱۱۶ق در اصفهان دوران صفوی نشانگر آن است که چهار قرن بعد از رشیدالدین نیز بنیان و واقفان بعضی مدارس همانند او می‌اندیشیدند و شرط کرده بودند «کتاب‌های علوم وهمیه یعنی علوم شکوک و شبهات که به علوم عقلیه و حکمت مشهور و معروف است مثل شفا و الاشارات و حکمت العین و شرح هدایت و امثال ذلک به شبهه دخول در مقدمات علوم دینی نخوانند». سپنتا، عبدالحسین ۱۳۴۶: ۱۶۹، ۲۹۹.

<sup>۶۴</sup> احتمال افزوده شدن این کتابها در زمان غیاث‌الدین محمد به کتابخانه ربع کم است زیرا چنانچه گذشت تصور می‌کنم همه کتاب‌های مهرداد کتابخانه رشیدی مربوط به خود رشیدالدین باشد.

اما اگر این احتمال را ممکن بدانیم و بپذیریم این کتابها در زمان او به کتابخانه افزوده شده باشد، آیا نمی‌بایست این کار را خلاف روح وقفنامه بدانیم؟ و آیا نباید این عمل را از متولی‌ای که برای رونق و شکوفایی موقوفات پدری دست به کار شده است، دور دانست؟ متولی‌ای که موظف بود بنا بر وصیت پدر و مفاد وقفنامه برای آشنایی و تذکر، گاه به گاه متن وقفنامه را بخواند (بیان الحقایق عربی، ص ۲۸۱/۲). خصوصاً اگر اصرار و ابرام فراوان رشیدالدین بر عمل دقیق به نص وقفنامه و جلوگیری از هر گونه تغییر و تبدیل در موقوفاتش را پیش نظر بیاوریم تا به حدی که هر آفریده‌ای که باعث تغییر و تبدیل شود را مستوجب «غضب و سخط باری تعالی» دانسته است (رشیدالدین فضل‌الله همدانی ۲۵۳۶: ۱۲۵، ۲۳۵، ۲۵۲).

<sup>۶۵</sup> از کشف الخفاء فی شرح الشفاء تنها یک نسخه بر جای مانده که مشتمل بر جلد دوم کتاب است و تألیف آن در ۹ ربیع الآخر ۷۱۷ق پایان پذیرفته است. دستنویس منحصر این اثر مورخ سلخ رجب ۷۲۹ق است و به شماره ۵۱۵۱ در کتابخانه جستریمیته نگهداری می‌شود.

در میان علما و دانشمندان پیشین و هم‌روزگاران ما ظاهراً تنها عبدالحی لکهنوی (۱۳۰۴-۱۱۶۶ق) به این کتاب علامه دسترسی داشته و چند سطر از آن را در کتابش، مصباح الدجی، ذکر کرده است. رک: ثبوت، اکبر ۱۳۸۰: ۳۲۴-۳۲۵.

<sup>۶۶</sup> علامه حلی ۱۴۱۸: ۷۶.

<sup>۶۷</sup> رک: صفحات ۷، ۹، ۹، ۹، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۲۲، ۲۵، ۲۹، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱.

در هیچ اثر دیگر علامه به این اندازه از رشیدالدین یاد نشده است. این تعدّد نقل قول، علاقه علامه را برای تقرّب به وزیر و حفظ ارتباط با او نشان می‌دهد. به‌ویژه اگر در نظر بیاوریم که در سال تألیف این کتاب، ۷۱۷ق، به احتمال فراوان او به حله بازگشته بوده است. رک: اشمیتکه، زابینه ۱۳۷۸: ۴۲-۴۳.

<sup>۶۸</sup> رشیدالدین فضل‌الله همدانی ۱۳۸۶: ۲۶۶-۲۷۳.

قسم اول: جماعت متکلمان، که ایشان حکمای اسلام‌اند و معقول مناسب منقول گویند؛ چنانکه خلل در نقل بادید نیاید، بلکه مقوی آن باشد.

قسم دوم: جماعتی از مسلمانان که تتبع کتب حکمای فلاسفه کرده و علوم از آن کتب آموخته و بدان سبب مایل آن قواعد شده، و بعضی از آن، آن باشد که مخالف شرع باشد.<sup>۷۷</sup>

و در داوری میان آنها چنین می‌نویسد:

میان متکلمان که حکمای اسلام‌اند و میان حکمای متقدم بحثهای بسیار است، و متکلمان سعی بسیار برده‌اند تا حکمای متقدم را ملزم گردانند. و بر هر که مسلمان باشد واجب آن که مدد متکلم کند تا سخن ایشان بر سخن حکمای متقدم راجح آید.<sup>۷۸</sup>

در نوشته‌های رشیدالدین قسم دوم حکمای مسلمان مکرراً نفی و با الفاظ و عبارات گوناگون رد شده‌اند. او آنان را بر خلاف علمای حقیقی، ظاهربین می‌داند زیرا: «دانش ایشان مقصور است بر کلماتی چند اصطلاحی که در آن بحث می‌کنند و از مراد حکمای محقق از آن مصطلحات غافل‌اند»<sup>۷۹</sup> و نکوهششان می‌کند که تنها به نام «حکما» خوانده می‌شوند و سرانجام درباره تعلیم فلسفه چنین اظهار نظر می‌کند: «در اسلام منع کرده‌اند از درس حکمت گفتن؛ چه، حکیمی که آن را چنانچه حق آن است تواند گفتن و متعلمی که مستعد شنیدن باشد نادر افتد».<sup>۸۰</sup>

آن چه گفته شد بر مبنای ۱۰ نسخه‌ای است که تاکنون از کتابخانه رشیدی شناسایی شده و از غارت ربع جان بدر برده‌اند و امید می‌رود با شناسایی نسخه‌های دیگری متعلق به آنجا، اطلاعات بیشتری بر دانسته‌های ما نسبت به موجودی آن کتابخانه و کم و کیفش افزوده شود.

به کار می‌برد که در آن از اشاره به مباحث فلسفی اجتناب نمی‌کرد. لذا از سوی دشمنانش متهم بود با تفسیر قرآن از راه علوم عقلی به تضعیف اسلام و تقویت دین یهود پرداخته و ملحد شده است، به‌ویژه که با توجه به سابقه خانوادگی اش همواره به طعنه یهودی خوانده می‌شد.<sup>۶۹</sup> او را «مخبط» و «مخلط» می‌خواندند و به نداشتن علم نافع و عمل صالحش متهم می‌کردند.<sup>۷۰</sup> شدت این اتهامات به حدی بود که نقل شده است پس از اعدام رشیدالدین سر او را در خیابان‌های تبریز می‌گرداندند و بانگ می‌زدند که: «این سر یهودی‌ای است که کلام خداوند را تحریف نمود».<sup>۷۱</sup> او نیز برای جلوگیری از این گونه سوءاستفاده‌ها به تندی فلسفه‌آموزی در ربع را رد کرده است تا مجال هیچ بهانه‌ای را به رقیبان ندهد. همان طور که مجبور شد برای دوری از اتهام «تفلسف» و «فسق»، عضدالدین ایچی را که ملازم حضر و سفرش شده بود، از خود دور و به کرمان تبعید کند.<sup>۷۲</sup>

رشیدالدین متکلمی اشعری مذهب بود و بخش سمت چپ کتابخانه‌اش را به «کتب معقولات» اختصاص داده بود و این «معقول» البته به معنای کتابهای کلامی نیز هست.<sup>۷۳</sup> نسخه لطائف الحکمة (شماره ۴) به همین بخش کتابخانه متعلق بوده است. چند رساله کلامی نیز در جنگ قطب شیرازی نوشته شده است که در میان آنها دو رساله از ابن‌کَمُونه، کلمات و جیزة مشتملة علی نکت لطيفة فی العلم والعمل (اللمعة الجوينية فی الحکمة العلمية والعملية)<sup>۷۴</sup> و مقالة فی تنقیح الابحاث للملث الثالث<sup>۷۵</sup>، وجود دارد. اشارت او در وقفنامه به پیگیری و مطالعه علوم عقلی هم در همین مقوله علوم کلامی می‌گنجد.<sup>۷۶</sup> چه رشیدالدین معقول‌خواندگان مسلمان را که «بنیاد بر امور و قضایای معقول نهند» به دو قسم تقسیم می‌کند:

- ۶۹ درباره یهودی بودن رشیدالدین و گفتگو در این باب رک: زریاب خوبی، عباس، ۱۳۵۰: ۱۲۴-۱۳۰؛ رجب‌زاده: ۱۰۰-۱۳۱؛ ۱۹۹۴: ۱۱۸-۱۲۶؛ Netzer, Amon 1994: 118-126.
- ۷۰ ابن‌فضل‌الله العمری، شهاب‌الدین احمد بن یحیی ۱۱: ۱۹۴؛ الذهبی، ۱۷۳؛ ابن‌کثیر، ۱۴: ۸۷؛ ابن‌حجر العسقلانی ۳: ۲۳۲؛ ابن‌عماد دمشقی ۸: ۸۱. همچنین رک: زریاب خوبی، عباس، ۱۳۵۰: ۱۲۹-۱۳۰.
- ۷۱ ابن‌الصقاعی ۱۹۷۴: ۱۸۴.
- ۷۲ ابن‌فوطی (۱: ۴۱۲) می‌نویسد: «واتهم رشیدالدین الهمدانی بذلک ونسب الی اعتقاده». استفاده از حربه فلسفه برای طرد و رد مخالفان در آن روزگار سکه رایجی بوده است. مثلاً اتابک ابوبکر قتلغ خان بن سعد سلغری (۶۵۸-۶۲۳ق)، صدرالدین محمود اشنهی و اعظ را به همین اتهام از شیراز بیرون کرد (آیتی، عبدالمحمد ۱۳۸۳: ۹۵).
- نمونه دیگر از شدت عمل در برخورد با فلسفه به مبارزالدین محمد بن مظفر یزدی بازمی‌گردد که در ۷۶۰ق نزدیک به سه - چهار هزار کتاب فلسفی را در مناطق تحت سلطه‌اش، فارس و کرمان و یزد و اصفهان و لرستان، به آب شست (معین‌الدین جمال یزدی ۱۳۶۵: ۸۳).
- ۷۳ و کتب منقولات و مصنفات خاصه در کتابخانه ایمن نهند و کتب معقولات در کتابخانه ایسر» (رشیدالدین فضل‌الله همدانی ۱۹۷: ۲۵۳۶).
- ۷۴ برای این کتاب رک: اشمیتکه، زابینه و رضا پورجوادی ۱۳۹۴: ۱۱۶-۱۱۹.
- ۷۵ رک: همان، ۱۳۵-۱۲۷. این کتاب اثری است در خصوص بررسی کلی استدلال‌های جدلی در دفاع از یهودیت و مسیحیت و اسلام و همچنین ضد آنها، و از این رو قابل توجه است که تقابل دین‌های یهود و اسلام، دو دین منتسب به رشیدالدین، در آن چشمگیر است.
- ۷۶ رشیدالدین فضل‌الله همدانی ۲۵۳۶: ۱۳۰.
- ۷۷ رشیدالدین فضل‌الله همدانی ۱۳۸۶: ۳۵۴.
- ۷۸ رشیدالدین فضل‌الله همدانی، توضیحات رشیدی، ۱۳۹۴: ۲، ۵۵۴.
- ۷۹ همو، ۱: ۳۴۱.
- ۸۰ همو، ۲: ۸۴۵.

## فهرست کتاب‌های وقف شده بر کتابخانه ربع رشیدی

ردیف	نام کتاب	موضوع	زبان	نام مؤلف	محل نگهداری	کاتب	تاریخ کتابت
۱	شرح القانون	پزشکی	عربی	-	مجموعه سید محمدصادق خرازی ش ۶۳۴	-	سده ۶ هـ.ق
۲	النجاة	فلسفه	عربی	ابن سینا (۴۲۸ هـ.ق)	کتابخانه کوی پرلی استانبول ش ۹۰۳/۱	-	سده ۶ هـ.ق
۳	المائة فی صناعة الطب	پزشکی	عربی	عیسی بن یحیی گرگانی (۴۰۱ هـ.ق)	کتابخانه مجلس شورای اسلامی ش ۶۳۳۵	هبة الله بن ملکا نصرانی متطبب تکریتی	۶۴۳ هـ.ق در تکریت
۴	لطائف الحکمة	حکمت (علمی و عملی)	فارسی	محمود بن ابی بکر رموی (۶۸۲ هـ.ق)	کتابخانه ملی پاریس ش 121 Persan	ابوالمحماد محمد بن محمود بن الحاجی ملقب به حمید مخلصی بخاری	۶۸۴ هـ.ق در قونیه
۵	مجموعه ۱. مجلس مکتوب خوارزم	اخلاق	فارسی	محمد بن عبدالکریم شهرستانی (۵۴۸ هـ.ق)	کتابخانه آیت الله مرعشی قم ش ۱۲۸۶۸	قطب الدین محمود بن مسعود شیرازی	۶۸۵ هـ.ق در قونیه
	۲. تاریخ مغول	تاریخ	فارسی	قطب الدین شیرازی (۷۱۰ هـ.ق)			
	۳. اللمعة الجوبنیة (رسالة فی العلم و العمل)	کلام	عربی	سعد بن منصور ابن کمونه (۶۸۳ هـ.ق)			
	۴. تنقیح الابحاث فی البحث عن الملل الثلاث	کلام	عربی	سعد بن منصور ابن کمونه (۶۸۳ هـ.ق)			
	۵. افحاح اليهود	کلام	عربی	سموئل بن یحیی بن عباس مغربی (۵۷۰ هـ.ق)			
	۶. الاسؤلة و الاجوبة	کلام	عربی	سموئل بن یحیی بن عباس مغربی (۵۷۰ هـ.ق)			
۶	محاضرات الادباء و محاورات الشعراء و البلغاء	ادب	عربی	حسین بن محمد راغب اصفهانی (۴۲۲ هـ.ق)	کتابخانه آستان قدس رضوی ش ۴۴۰۳	-	سده ۷ هـ.ق
۷	حل مشکلات الاشارات و التنبیها	فلسفه	عربی	خواجه نصیر الدین طوسی (۶۷۲ هـ.ق)	کتابخانه ملی ایران ش ۲۳۱۶ ع	-	سده ۷ هـ.ق
۸	مجموعه رشیدیة	چند دانشی	عربی	رشیدالدین فضل الله همدانی (۷۱۸ هـ.ق)	کتابخانه ملی پاریس ش 2324 Arabe	محمد بن محمود بن محمد امین زودنویس بغدادی	۷۱۰ هـ.ق
۹	تجزیة الامصار و تجزیة الاعصار (تاریخ و صاف)	تاریخ	فارسی	شرف الدین عبدالله بن فضل الله یزدی شیرازی، و صاف الحضرة (۷۳۰ هـ.ق)	کتابخانه نور عثمانیه استانبول ش ۳۲۰۷	مؤلف	۷۱۱ هـ.ق
۱۰	شرح الاشارات و التنبیها	فلسفه	عربی	شمس الدین محمود بن عبدالرحمن اصفهانی (۷۴۹ هـ.ق)	کتابخانه ترخان والده سلطان استانبول ش ۲۰۶	-	سده ۸ هـ.ق

- آیتی، عبدالمحمد (۱۳۸۳)، تحریر تاریخ وصاف، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سوم.
- ابن حجر العسقلانی (۱۴۱۴ق)، الدرر الكامنة فی اعیان المائة الثامنة، بیروت، دارالجمیل.
- ابن الصقاعی، فضل الله بن ابی الخیر (۱۹۷۴م)، تالی کتاب وفيات الاعیان، تحقیق: جاکلین سوبسلة، دمشق، المعهد الفرنسي بدمشق للدراسات العربية.
- ابن الطقطقی (۱۳۷۶)، الاصلی فی انساب الطالبین، جمعه ورتبه وحققه السيد مهدي الرجائی، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
- ابن الطقطقی (۱۴۳۶ق)، المختصر فی اخبار مشاهیر الطالبية و الائمة الاثني عشر، حققه و ضبط نصه و شرحه: السيد علاء الموسوی، کربلاء، قسم الشؤون الفكرية فی العتبة العباسية المقدسة.
- ابن عماد دمشقی، شهاب الدین ابی الفلاح عبدالحی بن احمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، اشرف علی تحقیقه و خرج احادیثه: عبدالقادر الارناؤوط، حققه وعلق علیه محمود الارناؤوط، دمشق و بیروت، دار ابن کثیر.
- ابن فضل الله العمري، شهاب الدین احمد بن یحیی (بی تا)، مسالك الابصار فی ممالک الامصار، تحقیق کامل سلمان الجبوری، بیروت، دارالکتب العلمية، ج ۱۱.
- ابن الفوطی، عبدالرزاق بن احمد (۱۳۷۴)، مجمع الآداب فی معجم الالقب، تحقیق محمد کاظم، تهران، مؤسسة الطباعة والنشر وزارة الثقافة والارشاد الاسلامی.
- ابوالقاسم عبد الله بن محمد القاشانی (۱۳۸۴)، تاریخ اولجایتو، به اهتمام مهین همبلی، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، دوم.
- ابن کثیر (بی تا)، البداية والنهاية، بیروت، دارالفکر، طبعه جدیدة منقحة.
- احمد بن حسین بن علی کاتب (۲۵۳۷ شاهنشاهی)، تاریخ جدید یزد، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- الاربلی، ابی الحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح (۱۴۲۶ق)، کشف الغمّة فی معرفة الائمة، تحقیق: علی آل کوثر، تقدیم علی الفاضلی، قم، المجمع العالمي لاهل البيت.
- اشپولر، برتولد (۱۳۹۲)، تاریخ مغول در ایران: سیاست حکومت و فرهنگ دوره ایلخانان، ترجمه محمود میرآفتاب، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۱۰.
- اشمیتکه، زاینه (۱۳۷۸)، اندیشه های کلامی علامه حلّی، ترجمه احمد نمایی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- اشمیتکه، زاینه و رضا پورجوادی (۱۳۹۴)، فیلسوف یهودی بغداد: ابن کمّونه و آثار او، ترجمه جواد قاسمی، ویراسته حمید عطائی نظری، اصفهان، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم شعبه اصفهان.
- الصفدی، صلاح الدین خلیل بن ایبک (۱۴۲۰ق)، الوافی بالوفیات، تحقیق و اعتناء: احمد الارناؤوط و ترکی مصطفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- افشار، ایرج (۱۳۳۵)، «وقفنامه سه دیه در کاشان»، فرهنگ ایران زمین، ج ۴.
- انوار، سید عبدالله (۱۳۵۷)، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی، ج ۹، تهران، انتشارات کتابخانه ملی.
- اوزگودنلی، عثمان غازی (۱۳۸۲)، «نسخه ای از تاریخ وصاف به خط مؤلف و مهر کتابخانه ربع رشیدی»، مترجم حجت فخری، نامه بهارستان، س ۴، ش ۲-۱، دفتر ۸-۷، بهار - زمستان ۱۳۸۲.
- بشری، جواد (۱۳۸۴)، «اشعار فارسی در جنگ خط قطب شیرازی (نسخه ای بازمانده از کتابخانه رشیدی تبریز)»، در نسخه پژوهی، ج ۲، به کوشش ابوالفضل حافظیان بابلی، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- بناکتی، داود بن محمد (۱۳۷۸)، تاریخ بناکتی: روضه اولی الالباب فی معرفة التواریخ والانساب، به کوشش جعفر شعار، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، دوم.
- پرنده، غلامرضا (۱۳۷۸ش)، «تقریظ علامه قطب الدین شیرازی بر آثار خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی»، در مجموعه رسائل فارسی، ج ۵، زیر نظر نجیب مایل هروی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸ش.
- تاج الدین بن محمد بن حمزة بن زهرة الحسيني نقيب حلب (۱۹۶۳م)، غاية الاختصار فی البيوتات العلوية المحفوظة من الغبار، حققه و قدّم له السيد محمدصادق بحر العلوم، نجف، المطبعة الحيدرية ومکتبها.
- ثبوت، اکبر (۱۳۸۰)، فیلسوف شیرازی در هند، تهران، مرکز بین المللی گفتگوی تمدن ها با همکاری انتشارات هرمس.
- جعفر بن محمد بن حسن جعفری (۱۳۳۸)، تاریخ یزد، به کوشش ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- جمال الدین ابی المحاسن یوسف بن تغری بردی الاتابکی (۱۳۸۳ق)، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة، ج ۹، قاهره، وزارة الثقافة والارشاد القومي المؤسسة المصرية العامة للتأليف والترجمة والطباعة والنشر.

- جواد، مصطفی (۱۳۷۸ ق)، «باب الکتب مؤرخ العراق ابن الفوطی»، المجمع العلمی العراقی، س ۶، ش ۱.
- حائری، عبدالحسین (۱۳۵۰)، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ج ۱۹، تهران، چاپخانه مجلس.
- حافظ ابرو (۱۳۱۷)، ذیل جامع التواریخ رشیدی، با مقدمه و حواشی و تعلیقات خانابا بیانی، تهران، شرکت تضامنی علمی.
- خواجه نصیرالدین طوسی (۱۳۸۳)، اجوبه المسائل النصیریة: مشتمل بر بیست رساله، به اهتمام عبدالله نورانی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- خواجه نصیرالدین محمد بن محمد بن حسن طوسی (۱۳۸۹)، حل مشکلات کتاب الاشارات والتنبیها، نسخه برگردان به قطع اصلی نسخه دستنوشته مؤلف (نسخه خطی شماره ۱۱۵۳ کتابخانه ملی ایران)، با مقدمه سید محمد عمادی حائری، تهران، میراث مکتوب.
- درایتی، مصطفی (۱۳۹۱)، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ذیل جامع التواریخ (احوال اولجایتو و سلطان ابوسعید)، کتابخانه ملی پاریس، شماره Sup.persan.209، به خط مسعود بن عبدالله، ۸۳۷ ق.
- رجب‌زاده، هاشم (۱۳۷۷)، خواجه رشیدالدین فضل‌الله، تهران، طرح نو.
- رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۱۳۵۰)، وقفنامه ربع رشیدی: الوقفیة الرشیدیة بخط الواقف فی بیان شرائط امور الوقف والمصارف، چاپ عکسی از روی نسخه اصل، زیر نظر مجتبی مینوی و ایرج افشار، تهران، انجمن آثار ملی.
- رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۲۵۳۶ شاهنشاهی)، وقفنامه ربع رشیدی: الوقفیة الرشیدیة بخط الواقف فی بیان شرائط امور الوقف والمصارف، به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار، تهران، انجمن آثار ملی.
- رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۱۳۵۸)، سوانح الافکار رشیدی، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، انتشارات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران.
- رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۱۳۸۶)، بیان الحقایق: مجموعه هفده رساله، مقدمه تحقیق و تصحیح هاشم رجب‌زاده، تهران، میراث مکتوب.
- رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۱۳۹۴)، توضیحات رشیدی، مقدمه تحقیق و تصحیح هاشم رجب‌زاده، تهران، میراث مکتوب با همکاری سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری، ج ۲.
- رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۱۳۹۴)، جامع التواریخ (تاریخ مبارک غازانی)، تصحیح و تحشیه محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران، میراث مکتوب.
- رشیدالدین فضل‌الله همدانی، مباحث سلطانی، نسخه خطی کتابخانه نورعثمانیه، ش ۳۴۱۵.
- رشیدالدین فضل‌الله همدانی، بیان الحقایق (متن عربی)، به خط محمد بن سعید اسفرائینی، مورخ ربیع الاول ۷۱۱ ق، کتابخانه قلیچ علی پاشا، شماره ۸۳۴.
- ریشار، فرانسیس (۱۳۶۱)، «مهر کتابخانه رشیدالدین فضل‌الله همدانی»، آینه، س ۸، ش ۶، شهریور ۱۳۶۱.
- ریشار، فرانسیس (۱۳۸۳)، جلوه‌های هنر پارسی: نسخه‌های نفیس ایرانی قرن ۶ تا ۱۱ هجری قمری موجود در کتابخانه ملی فرانسه، ترجمه ع. روح‌بخشان، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۳.
- زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۰م)، الاعلام، بیروت، دارالعلم للملایین، ج ۵۸.
- زریاب خوبی، عباس (۱۳۵۰)، «سه نکته درباره رشیدالدین فضل‌الله»، در مجموعه خطابه‌های تحقیقی درباره رشیدالدین فضل‌الله همدانی، تهران، دانشگاه تهران.
- سینتا، عبدالحسین (۱۳۴۶)، تاریخچه اوقاف اصفهان، اصفهان، اداره کل اوقاف استان اصفهان.
- سرگین، فؤاد (۱۳۸۰)، تاریخ نگارش‌های عربی، ج ۳، ترجمه، تدوین و آماده‌سازی: مؤسسه نشر فهرستگان، به اهتمام خانه کتاب، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شرف‌الدین عبدالله بن عزالدین فضل‌الله بن ابی‌نعیم یزدی / شیرازی (۱۲۶۹ ق)، تجزیة الامصار و تزجیة الاعصار (تاریخ و صاف)، خط محمدابراهیم شهیر به آقا خلف محمدحسین اولیا سمیع شیرازی، به اهتمام محمد مهدی اصفهانی، بمبئی، مطبع آقا میرزا محمدحسن کاشانی.
- شرف‌الدین عبدالله بن عزالدین فضل‌الله بن ابی‌نعیم یزدی / شیرازی (۱۳۸۸)، تجزیة الامصار و تزجیة الاعصار (تاریخ و صاف)، نسخه برگردان جلد چهارم کتاب از روی نسخه خط مؤلف کتابت سال ۷۱۱ هجری قمری، به کوشش ایرج افشار و محمود امیدسالار و نادر مطلبی کاشانی، تهران، انتشارات طلایه.



- ششن، رمضان (۱۹۸۶م)، فهرس مخطوطات مکتبه کوپریلی، رمضان ششن، جواد ایزکی و جمیل آقیکار، استانبول، مرکز الابحاث للتاریخ والفنون والثقافة الاسلامیة باستانبول.
- شیخ آقا بزرگ طهرانی (بی‌تا)، طبقات اعلام الشیعة، القرن السابع: الانوار الساطعة فی المائة السابعة، تحقیق علی نقی منزوی، افست قم، اسماعیلیان.
- صدرایی خوبی، علی (۱۳۷۶)، فهرست نسخه‌های خطی مدرسه نمازی خوی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، دفتر نشر میراث مکتوب.
- عرفانیان، غلامعلی (۱۳۸۰)، فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ج ۱۹، مشهد، انتشارات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
- عطاملک بن محمد جوینی (۱۳۷۰)، تاریخ جهانگشای، به سعی و اهتمام و تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی، تهران، انتشارات ارغوان، افست از لیدن، مطبوعه بریل، ۱۹۱۱م.
- علامه حلی (۱۴۱۸ق)، استقصاء النظر فی القضاء والقدر، تحقیق سید محمد حسینی نیشابوری، مشهد، دارانباء الغیب.
- عمادی حائری، سید محمد (۱۳۸۹). رک: خواجه نصیرالدین محمد بن محمد بن حسن طوسی (۱۳۸۹).
- فضل‌الله بن روزبهان خنجی اصفهانی (۱۳۶۲)، سلوک الملوک، به کوشش و تصحیح محمدعلی موحد، تهران، خوارزمی.
- فهرست کتب کتابخانه مبارکه آستان قدس رضوی (۱۳۰۵ش)، ج ۳، مشهد، دارالطباعة طوس.
- کتاب الحوادث لمؤلف من القرن الثامن الهجری: و هو الكتاب السمي وهما بالحوادث الجامعة والتجارب النافعة والمنسوب لابن الفوطی (۱۹۹۷م)، حقه و ضبط نصه وعلق علیه: بشار عواد معروف و عماد عبدالسلام رؤوف، بیروت، دارالغرب الاسلامی.
- الکتبی، محمد بن شاکر (بی‌تا)، فوات الوفيات و الذیل علیها، تحقیق احسان عباس، بیروت، دارصادر.
- کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی (۱۳۸۵)، مهرها طغراها و فرمانهای پادشاهان ایران از شاه اسمعیل صفوی تا احمد شاه قاجار، لندن.
- مدرس رضوی، محمدتقی (۱۳۷۰)، احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی، تهران، اساطیر، دوم.
- مرعشی نجفی، سید محمود (۱۳۸۲)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی، ج ۳۱، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی؛ ج ۳۲: ۱۳۸۳.
- مطلبی کاشانی، نادر و سید محمدحسین مرعشی (۱۳۸۲)، حدیث عشق: دانش پژوه نامه‌ها و گفت‌وگوها، ج ۲، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- معین‌الدین جمال یزدی (۱۳۶۵)، [ترجمه] رشف النصائح الایمانیة و کشف الفضائح الیونانیة، تصحیح و توضیح نجیب مایل هروی، تهران، چاپ و نشر بنیاد.
- المؤذن، منی (۲۰۰۸م)، العلوم العربیة فی عصرها الذهبی، دمشق، المتحف الوطنی بدمشق.
- میر، محمدتقی (۲۵۳۶شاهنشاهی)، شرح حال و آثار علامه قطب‌الدین محمود بن مسعود شیرازی، شیراز، دانشگاه پهلوی.
- میرزا ابوالقاسمی، محمدصادق (۱۳۹۴)، آداب مهنویسی در دوره اسلامی: از ایلخانان تا پایان قاجاریه، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- مینوی، مجتبی (۱۳۶۷)، نقد حال، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، سوم.
- ناصرالدین منشی کرمانی (۱۳۸۹)، درة الاخبار و لمعة الانوار، برگردان فارسی تتمه صوان الحکمة اثر ابوالحسن علی بن زید بیهقی، تصحیح و تحقیق علی اوجبی، تهران، انتشارات حکمت، دوم.
- الهادی، یوسف (۱۳۹۴)، «قطب‌الدین شیرازی و رشیدالدین همدانی»، ترجمه محمد باهر، در گزارش میراث، دوره دوم، س ۹، ۱-۲، پیاپی ۶۹-۶۸، فروردین - تیر ۱۳۹۴.
- هرمان، گوتفرد (۱۳۸۰)، «اسناد دیوانی فارسی در دوره مغولان: فرمانهای امیران و وزیران»، ترجمه فرانک بحرالعلومی، وقف میراث جاویدان، س ۹، ش ۳۳-۳۴، بهار و تابستان ۱۳۸۰.
- همام تبریزی (۱۳۹۴)، دیوان همام تبریزی، تصحیح رشید عیوضی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دوم.
- Arberry, Arthur J (1962), *The Chester Beatty library: A Handlist of the arabic manuscripts*, V. V, Dublin.
- Gacek, Adam (2012), *The Arabic Manuscript Tradition: A Glossary of Technical Terms and Bibliography*, Leiden, Brill.
- Wisnovsky, Robert (2014), "Towards a genealogy of Avicennism", *Oriens*, V 42, Issue 3-4.
- Netzer, Amnon (1994), "Rashid al-din and his jewish background", *Irano-Judaica* 3.

فحق در بهر سبب، اسباب و سبب که نیست ازین نسبت در هر کفایه در  
 زبطه، بهر اربابان، اینک و سبب است که هر که فایده، کار از اربابان  
 فایده است که ضعف نسبت ازین بر هر کفایه است، از بهر و سبب  
 سبب و کلام در ...  
 با آنکه به باقی خود و بهر تقاضا ...  
 به که کلام است بر هر کفایه و سبب ...  
 نامه و سبب است که در هر کفایه و سبب ...  
 چشم از بهر سبب است که در هر کفایه و سبب ...  
 اما در هر کفایه و سبب است که در هر کفایه و سبب ...  
 سبب است که در هر کفایه و سبب ...  
 وقت است که در هر کفایه و سبب ...  
 اما در هر کفایه و سبب است که در هر کفایه و سبب ...  
 سبب است که در هر کفایه و سبب ...  
 وقت است که در هر کفایه و سبب ...  
 اما در هر کفایه و سبب است که در هر کفایه و سبب ...  
 سبب است که در هر کفایه و سبب ...  
 وقت است که در هر کفایه و سبب ...  
 اما در هر کفایه و سبب است که در هر کفایه و سبب ...  
 سبب است که در هر کفایه و سبب ...  
 وقت است که در هر کفایه و سبب ...

تصویر ۲۶: وقفنامه ربع رشیدی، به خط خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی، بخش حاوی توصیف او به مهر کردن کتابهای کتابخانه، ک ۱۲۶پ (کتابخانه مرکزی تبریز، ش ۱۳۹۳).